جنات الخلود

فهرست جداول من الکتاب الموسوم بجنات الخلود



بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله الحکیم المعبود المتفرد بالازلیة والابود المتعزز بالکرم والجود مثبت نزور الوجود لبروز ما نحسبه یوم الورود وجاعل القلوب من حجوب حب المحبوب معمورة کجنات الخلود مرشح حیاض العلم بریاض المرتاضین من جداول المنهل المشهود ومرسل صواعق نجوم الحجج علی نحوم المنکرین کالبروق والرعود وباعث النبی الکریم لسد السدود وحد الحدود ورد الاجامرة والترنود عن روی الطرق والقصود الی مقیل من

ظل ممدود وفاتحه لاهل جنة منا المواثیق والعهود ونشهد ان لا اله الا الله وحده لاشریک شهادة نرتقی بها علی درجات الصعود مع المقربین الشهود فی مشهود یوم موعود وصلی الله علی صاحب المقام المحمود اهل بالجود واکرم من تجنب جنوبهم عن مضاجع الرقود محمد محمد المختار ذات الوقود وعلی سعد السعود

الکوکب المسعود سمی ربه الودود علی الغالب علی الجیوش والجنود وعلی النجوم الهادیة واقطاب السماء الالهیة بلا زوال ولا رکود الائمة الاجلة المعصومین المامورین تارة بالقیام وتارة بالقعود الطائفین العاکفین الرکع السجود صلوة تصفی مرائی قلوبنا عن غبار التعصب والجحود وتعصمنا من کید کل لجوج وحسود یصهر به ما فی بطونهم والجلود

واتبعونی فی هذه لعنة ویوم القیمة بئس الرفد المرفود من المخالفین الکفرة الجحود والفجرة العنود الاضلین من النصاری والیهود وسلم تسلیما کثیرا دائما الی ان یذهب الخلق ویعود اما بعد بر لوایح ارواح زاکیه وصفایح اذهان صافیه ارباب الباب میسکار دکمینه کثیر الجرم قلیل الطاعه عدیم البضاعه مسکین ابن محمد مومن محمد رضا

الامامی المدرس وفقه الله تعالی لمراضیه واحسن الیه فی مستقبل حاله کما فی ماضیه که چون عمده ارکان ایمان معرفت خداوند تبارک وتعالی وانبیا واوصیا لاسیما ائمه هدی سلام الله علیهم است که از خوض در حوض حلاوت آثار واخبار ایشان حاصل کردد وهریکی از علیحده نامی ونشانی ومولد ومکان وتاریخ وزمان وصلوات وعبادات وشغلی وشانی است

که دریافت همه آنها به تتبع کتب بسیار دشوار است چون این حقیر تفسیر موسوم بحزاین الانوار در اظهار فضل ائمه اطهار صلوات الله علیهم اجمعین تصنیف نمودم در مطاوی تالیف آن از استقصای کتب اطلاع کلی بر جزویات آثار انبیا ونامدار واطوار احمد مختار وائمه اطهار علیهم السلام بهمرسانید هر یکی را در جای خود از آن کتاب مستطاب جمیلی تمام ارتسام دادم ومجلد اول آن بنظر کیمیا اثر

کامرانان کرماین بنده کردون اساس نواب کامیاب مالک رقاب شهنشاه خلافت مآب که طغرای طرازی دولت وفضیلت نام نامیش موشح ومسجل بخاتم شیر با بیر اقتوبر شوکت باسم سامیشان مرشح است حامی حوزه اسلام وماحی عبده اصنام رافع رایات عدل واحسان وقامع الویه ظلم وطغیان نخبه طوایف امم ومفخر ملوک عرب وعجم مشغله دوده الا المودة فی القربی

ومرد مکت دیده والله یوید بنصره من یشاء واورنک آرای خواقین کامکار وممکلت پیرای شهنشهان تاجبخش تاجدار دریا سخائی که ترادش غمام انعام عامش بهجت افزای بهارستان وصل وجمال است هواداری که نسایم الطاف خاص غالیه سای دماغ امانی وآمال ظل الله فی العالمین قهرمان الماء والطین قبله ارباب دین مرکز دور مدار کزارش

عدل اوست ملک وملکت را قرار فر فریدون کجا شوکت وشانش کجا در ید بیضا سهامی نشود آشکار پایه قدرش بود تا بجاه وجلال سایه شانش که هست سایه پروردکار درخم چوکان حکم چون فکند حشمتش کوی فلک میزند چرخ طبل وبهار بهر غستان کف تیغ وی آتش فشان بهر کلستان بین خنجر وی آبدار کوهر بحر کرم مظهر احسان حو یم صدر سریر امم فخر اولی الافتخار صبح بر دخشش برج اسد ازحمل

بره شیر فلک پیش پرش بنده وار کان کفش در سخا موجه بر آرد چو بحر تیغ پر از جوهرش دم زند از ذوالفقار کهف الثقلین وضیاء الخافقین والمعز بین ملاذ الخلق فی الخافقین شاه سلطان حسین الصفوی بهادر خان لا زالت اعناق السلاطین بباب خاضعة وجباه الخواقین علی تراب اعتابه واضعه رسید بعد از تحلیع آن به پیرایه استحسان حقیر را مورد خلاع فاخره آفتاب شعاع در قم مفاخر تشیم دوران مطاع فرمود

در نموقف نیز حسب الاشاره بعضی از خاصان آن درکاه که پرچم رایت فتح آیت انهم المنصورون آیتی است در شان وکوکبه موکب ان جندنا لهم الغالبون نمونه ایست از وجنات فرمان او شیرازه اوراق انا فتحنا لک فتحا مبینا وشاهباز بلند پرواز اوج درخشانه مکانا علیا خلاصه آثار چهارده معصوم را از اسماء والقاب وکنات وخصایص ومعجزات وادعیه وصلوات واحراز واحتجابات ومدت عمر وساعات

وفضایل وکرامات وآباء وامهات وتولد ووفات وشهور وسنوات واولاد وزوجات وخواتیم وبرکات ومقتل وامکنه ووفات وتواریخ ولادات واشتغال ومهمات سالانه علیحده نموده باسلوب تقویم در طی جداول ذکر کردیم تا ملخص احوال هریک در جدول باو بدون تصفح کتب بادی الرای نظر در آید وهر روزی را که تولد یکی از انبیا وحج یا فوت یکی از اشقیا در آن واقع شده برای اشتغال

در حمات خود تعیین وعکس آنرا عکس دانند با ختلاف وجهتین معنون ساختیم آنرا بجداولی چند در معنی اتمام جسنی اعداد وخواص انها ومجمل احوال مشاهیر انبیا ومختتم شد بجداول دیکر در ذکر سنن وسیر خاتم اصفیا وتعداد ایام ولیالی متبرکه واعیاد وشهور وسنین وبلاد مشهوره زمین ومعرفت قبله واختیارات وبعضی از فلکیات واختلاجات اعضا وادعیه وصلوات وادعیه سفر وذکر خلفاء غاصبین حق

ائمه هدی وحصر مذاهب وملل بترتیبی که مذکور وموشح است در فهرست این صحیفه جهان نما که الحق کتابی شد قرة العین همه کتابها نه چرخ بکلچینی جدول این باغ قامت خم ودامن بکمر سر بسجود است کلزار ارم بارخ خوبان کجنیش ماه شب علیت وخطش سنبل وعود است هم صرصر عادات عدو را کلماتش هم بهر محبان توجهات خلود است برساحت هر صفحه زند جدول سیمین سرچشمه جود است وروان میشد

شهود است در هر ورق از درج کهرچیده بسامی هر کنج وی از کنج دو صد مایه جود است هر خانه بی زینت دین فوات عماد است والفت دین قدّ الفهاش عمود است وموسوم ساختیم این نسخه مبارکه را بنام نامی که بعدد حروفش ماده تالیف آن است یعنی جنات الخلود المعمور من جداول النور وبالله التوکل فی کل الامور

# الجدول الاول في معرفة الاسماء الحسنى ومعانيها وخواصها واعدادها

**الله**

اسم ذات مستجمع جمیع صفات کمالیه [illegible] هرگاه گفته شود گویا جمیع اسما حسنی همه گفته شد و او را لفظ جلاله گویند ماخوذ از لاه یلوه که بمعنی درخشندگی [illegible]
والاه است بمعنی تحیر و عبادت [illegible] بمعنی متحیر داشتن عشاق بودن باو [illegible] در اصل الاه بوده حرف تعریف متصل گشته و آن را اسم اعظم گویند [illegible] هر یک از حروف [illegible]
معنی وی برقرار است و مشهورترین نامها در همه اسما مقدم است مختص بکلمه توحید و شهادتین است از همه اسماء فضیلت دارد در قرآن دو هزار و هشتصد و [illegible] جا مذکور است عددش [illegible]
وسش است چنانکه معری در ما بی گوید اسم اعظم کان بود اصل وجود می نگنجد در این چرخ کبود در ته گرداب لیشن فلک می طپد چون حلقه در گوش سمک زیر هر موجش هزاران گوهر است
زیر هر گوهر هزار دیگر است سوی گوهر [illegible] نا رفت کس بزورق در نگشت دریا رفت بی نشان [illegible] نقطه میدانی چه راست تا بدانی بی نیاز از ماسوا است گر تو را
ره یابی سوی آن بی نشان شوی نشان شوی از بی نشان در هر یک از عاقبت [illegible] و عصر و ثلث آخر شب [illegible] بار خواندن جهت مطالب مجرب

**الواحد**

[illegible]

**الاحد**

[illegible]

**الصمد**

چون در غیر خدا استعمال شود بمعنی میان پر بود است اما در خدا بمعنی اطلاق شود [illegible]
سید و بزرگ [illegible] بمعنی قصد کرده شده در حوائج و نوازل و پناه در همه امور ماخوذ از صمد
الیه الامر است ای قصده [illegible] معنی [illegible] همه اشیا مغایر باشد در عدم
جسمیت و جوهریت و غیر ذلک [illegible] در حین نزول بلا و احتیاج در بیخوردگی کارها
خواندن آن مجربست و بسیار گفتنش برای رفع جوع و گرسنگی نافع است
عدد کبیرش یکصد و سی و چهار و عدد وسطش [illegible] و عدد صغیرش [illegible] است

**الاول**

دو معنی دارد اسبق [illegible] بر همه اشیا ابتدا کننده در خلق اشیا که قبل از وجود
هر شیء بوده است و او را ابتدائی که خلق مبدت شود نبوده [illegible] در شروع کردن
کارها و [illegible] هر چیزی خواندنش موثر عدد کبیرش [illegible] وسطش ده صغیرش
[illegible] اسم [illegible] همزه و [illegible] است و چون انگشت سبابه بر شکم حامله
[illegible] مقدسی گوید حمل مسقط نشود و عدد کبیرش پنجاه و [illegible] وسطش یازده و صغیرش
[illegible] یکصد و بیست و چهار و وسطش شانزده و صغیرش [illegible] است

**الرحمن**

[illegible]

**السميع**

[illegible]

**البصير**

بیاد مطلع بر همه اشیا [illegible] بدون آلت بصر بیننده آنچه از نظر
مخفی است از جهت دفع رمد و شبکوری و سایر امراض چشم و دفع قساوت
قلب و دفع سهو [illegible] مداومت نماید کبیرش سیصد و دو است و در جمیعا مداومت
نمودنش متضمن رعایت از نزد باری تعالی است عدد وسطش سی و دو
صغیرش پنج است و از جهت بینا شدن در امور دنیا و آخرت بخوانند

**القدير**

بمعنی قادر و مشتق از قدرت و غلبه است بر هر مقدوری و تملک تام است بر هر چیز
بحیثیتی که امتناع از فرمان او هیچکس را ممکن نباشد و بیرون رفتن از تحت تصرف
او محال باشد این اسم را با اسم قادر در وقت وضو بسیار گویند بر خصم غالب شوند
بجهت تقویت دل و تسلط بر امور و اندازه قرار دادن هر چیزی مجربست گویند سایر
صفات [illegible] این صفت است کبیرش سیصد و چهار و وسطش سی و پنج صغیرش [illegible]

**القاهر**

[illegible]

**الملك**

[illegible]

**الاعلى**

بمعنی علی و ابلغ از آنست در هر قسمی باعتبار لفظ و [illegible] اشتقاق که علو بمعنی
بلندیست و اگر چه در اسامی خدا این [illegible] مفضل [illegible] شود و [illegible]
بمعنی غالب است کقوله تعالی لا تخف انک انت الاعلی و خواص این اسم شریف
با اسم علی متحد بل ابلغ و اتم است با خود داشتن این اسم موجب [illegible]
در طبایع است و خواندنش فایده عظیم دارد عدد کبیرش یکصد و
یازده و وسطش دوازده و صغیرش سه عدد است

**الباقي**

[illegible] حی همیشه پاینده و برقرار یعنی بقای ازلی [illegible] چون بقای بهشت و دوزخ
چه بقای آنها ابدی است اما ازلی نیست فرق میان ازل و ابد آنکه ازل پاینده
و دایم بالذات است بعنوان وجوب و ابد پاینده و دایم بالعرض اعم از وجود
امکانی یا وجود وجوبی جهت طول عمر و استحکام ابنیه و اولاد مداومتش یکصد و
سیزده مرتبه نفع عظیم دارد و وسطش چهارده صغیرش پنج عدد است

**البديع**

[illegible]

**[illegible]**

[illegible]

**الظاهر**

دو معنی دارد اول هویدا و آیان بسبب حجتهای باهره و براهین نیّره و شواهد و علامات که دلالت بر ثبوت ربوبیت او میکند و میرساند که [illegible] موجود [illegible] و فی کل شیء له آیة تدل
علی انه واحد و این معنی در صورتیست که ماخوذ از ظهور باشد ضد خفا ای آنکه بر ظهورت هر ذره اقتضا جهت [illegible] خود نماید [illegible] نورش مخفی و آشکار را هم آشکار و هم
نزدیک و دور را بهم هم غیبت و حضورش لا شیء الا الیس کمثله شیء اشیا تمام یک فنی از نور بی حضورش [illegible] بمعنی غلبه ماخوذ از ظهر که معنی پشت و پناه است و منه قوله تعالی
فاصبحوا ظاهرین ای غالبین برای غلبه بر دشمن و قوت گروه و پیشرفت کارها مداومت بر این اسم شریف کردن اکسیر احمر است و اگر معنی اول را قصد کنند مداومتش
جهت پیدا شدن گمشده و اطلاع بر احوال خفیه مجرب است عدد کبیرش یکهزار و یکصد و شش و عدد وسطش یکصد و شانزده و عدد صغیرش هشت عدد است

# بقية الجدول الاول في معرفة الاسماء الحسنى ومعانيها وخواصها واعدادها

**الباطن**

دو معنی دارد پنهان بودن و احتجاب از ادراک ابصار و ملوث خاطر و افکار که شاهین نظر عقلای دوربین با دیای دریافت کنه ذاتش نرسد للمؤلفه بابال و پا برخی لنگ بجا
قدر ترا مرغ خیال با سوی عالم تعبیر و [illegible] در معنی ظاهر کیفیت آن تمام گفته شد منافات ندارد چه او سبحانه هویدا است بدلایل و اعلام و مخفی است بکنه ذات و ما هیت ذات
و مرئی است و محسوس بآیات و علامات فهو الباطن بلا احتجاب و الظاهر بلا اقتراب او سبحانه باطن است بر هر چیزی یعنی خبیر و مطلع است بر بواطن جمیع هر امری از امور
و از اسرار و ضمایر خلق خود غافل نیست چه بطانة الرجل شخصی را گویند که از مکنون و اسرار آگاه و دائم و خفیه مشورت با او کرده شود و در عدة آورده که هو العالم باسرار القلوب و المطلع علی ما بطن
من الغیوب بالترتب جهت پنهانی و مخفی بودن اسرار و یا مطلع شدن بر ضمایر و اخبار بخوانند عدد هشتصد [illegible] و عدد کبیرش [illegible] و عدد وسطش [illegible] است و عدد صغیرش [illegible] میباشد

**الكريم**

[illegible]

**العظيم**

[illegible]

**الحكيم**

محکم کار و کار از همه بر جای خود [illegible] معنی احکام در اینجا شدت و حسن تصویر و تقدیر است
یعنی [illegible] از وی صادر نشود و کسی را مجال اعتراض بر وی نباشد و قول حکیم بمعنی
علیم است یعنی دانا که علم او محیط همه معلومات باشد چه مراد از یؤتی الحکمة من یشاء علم است
و ایضا [illegible] بر اراست [illegible] کارها و دانستن مجهولات مجرب است عدد کبیرش [illegible]
وسطش یازده و صغیرش [illegible] است و حکم بدون یا نیز اسم خدا
و معنی [illegible] دارد و [illegible] است و عدد وسطش ده عدد کمتر است

**العالم**

[illegible] علام [illegible] یعنی [illegible] که میداند سر بر دو ضمایر خلق [illegible] دشمنان [illegible] مشغول [illegible]
[illegible] اشیا را قبل از احداث اشیا [illegible] حضوری [illegible] و باز دوم [illegible] و چون علم
بندگان که [illegible] وقت هم [illegible] نمودن و زیاد و کم کردن [illegible] است بر آنکه ذات [illegible]
[illegible] بندگان [illegible] اجمعین [illegible] علم است [illegible] علم لازم آید [illegible]
[illegible] برای توفیق کسب علم و ظاهر [illegible] علوم [illegible] امور [illegible] عظیم دارد و بعد از هر [illegible]
ده بار بگوید [illegible] عدد کبیرش [illegible] پنجاه [illegible] وسطش [illegible] پانزده و عدد
صغیرش شش است [illegible] عدد کبیرش [illegible] است

**الحليم**

[illegible]

**الحفيظ**

[illegible]

**الحق**

سه معنی دارد اول ثابت یعنی سزاوار هر چیزی کقوله لقد حق القول [illegible] متحقق الوجود چنانکه گویند
الجنة حق و النار حق [illegible] محقق یعنی حق کننده حق مراد آنکه او سبحانه عبادت خود را حق
گردانیده و عبادت غیر خود را باطل کقوله ذلک بان الله هو الحق و ان ما یدعون
من دونه هو الباطل جهت استخلاص مال خود از ید غیر مجرب باشد و خاصیت
دیگر در اسم شهید ذکر شد و عدد کبیرش یکصد و هشت و وسطش نه و عدد صغیرش [illegible] است

**الحسيب**

سه معنی دارد حساب کننده و دانشمند کقوله بکل شیء حسیبا و محاسب یعنی بحساب رسنده کقوله کفی بنفسک الیوم علیک حسیبا و کفایت کننده کقوله حسبک الله و من اتبعک من المؤمنین ای کفاک
و قوله تعالی عطاء حسابا ای کافیا جهت درست شدن محاسبات و قضیه یافتن [illegible] بخشش بخوانند بعد
[illegible] از روز پنجشنبه [illegible] [illegible] هر روز هفتاد بار حسبی الله [illegible]
[illegible] کفایت مهم وی شود و نجات از شر بدی شر و مخاوف یابد خصوصا
از شر غمازان و ورد این اسم بعدد کبیرش هشتاد نفع عظیم دارد و عدد
وسط و صغیرش هشت است هر که این اسم را بسیار بخواند همه کس از او بترسد

**الكبير**

[illegible]

**[illegible]**

[illegible]

**الرب**

[illegible] جمیع اسم اعظم است [illegible] صدر [illegible] در [illegible] مکان [illegible]
[illegible] استجابت دعوت بدین لفظ [illegible] ادعونی استجب لکم
[illegible] و [illegible] معنی آمده جمع کننده هر را اصلاح کننده مالک یعنی خداوند [illegible]
[illegible] ثابت دائم خالق تحویل کننده الهام کننده تربیت کننده [illegible]
جهت حفظ [illegible] دولت [illegible] این اسم [illegible] وسطش [illegible] صغیرش چهار

**البارئ**

بمعنی باری و خالق است یقال برأ الله الخلق ای برأهم و خلقهم و گاهی بدون همزه نیز استعمال
میشود بطریق اولی خاصیتش همین خواص خالق و باری است هرگاه غایبی که از وی خبری نباشد بعد
از نصف شب برخاسته با خضوع و خشوع در گوشه خانه خود ایستاده هفتاد بار یا باری
یا معید رد علی فلانا بگوید در آن هفته البته خبر غایب یا وی برسد عدد کبیرش
ششصد و یازده عدد و وسطش نوزده و عدد صغیرش دو عدد است

**الرزاق**

[illegible]

**[illegible]**

[illegible]

**الرحيم**

صفت عام است [illegible] [illegible] صاحب رحمت مخصوصه مومنان کافران چنانکه فرموده [illegible]
رحمانیت متضمن کشف و ایصال [illegible] و رحیم از خلق کشف باس کند و چون [illegible]
برای [illegible] رحمت رحمانیت کثیر الکشف قلیل الکشف [illegible] در رحمت رحیمیت [illegible] معانی [illegible]
فراموشی [illegible] هر که هر روز یکصد بار گوید یا رحیم مشفق و مهربان گردد منقول است که چون [illegible]
بطریق [illegible] و بعد از [illegible] سجده آورده مطلب بخواهد [illegible]
برای هر مطلبی مجرب است و هر که هر صباح [illegible] بار بگوید خلایق با او مهربان گردند [illegible] این اسم [illegible]

## الجدول الثاني في معرفة تتمة الاسماء الحسنى ومعانيها وخواصها واعدادها

| | | | |
|---|---|---|---|
| الرقيب | [illegible] | الرؤوف | [illegible] |
| الوكيل | [illegible] | السلام | [illegible] |
| المؤمن | [illegible] | المهيمن | [illegible] |
| العزيز | [illegible] | الجبار | [illegible] |
| المتكبر | [illegible] | | |
| السميع | [illegible] | السبوح | [illegible] |
| الشهيد | [illegible] | الصادق | [illegible] |
| الصانع | [illegible] | اللطيف | [illegible] |
| القاهر | [illegible] | العدل | [illegible] |

## بقية الجدول الثاني في معرفة تتمة الاسماء الحسنى ومعانيها وذكر خواصها واعدادها

| | | | |
|---|---|---|---|
| العفو | [illegible] | الغفور | [illegible] |
| الغني | [illegible] | المغني | [illegible] |
| الفاطر | [illegible] | الفرد | [illegible] |
| الفتاح | [illegible] | الفالق | [illegible] |
| القريب | [illegible] | | |
| القدوس | [illegible] | الملك | [illegible] |
| القدوس | [illegible] | القوي | [illegible] |
| القيوم | [illegible] | القابض | [illegible] |
| الباسط | [illegible] | القاضي | [illegible] |

## الجدول الثالث في معرفة باقي الأسماء الحسنى و ذكر خواصها و معانيها و أعدادها

| | | | |
|---|---|---|---|
| المجيد | [illegible] | الوكيل | [illegible] |
| المنان | [illegible] | المحيط | [illegible] |
| المبين | [illegible] | المقيت | [illegible] |
| المحصي | [illegible] | المتكبر | [illegible] |
| الهادي | [illegible] | | |
| الحسيب | [illegible] | الكافي | [illegible] |
| اللطيف | [illegible] | المؤنس | [illegible] |
| السبوح | [illegible] | الوهاب | [illegible] |
| الناصح | [illegible] | الواسع | [illegible] |



## بقية الجدول الثالث في معرفة باقي الأسماء الحسنى و ذكر خواصها و معانيها و أعدادها

| | | | |
|---|---|---|---|
| الودود | [illegible] | الرؤوف | [illegible] |
| الوكيل | [illegible] | الوارث | [illegible] |
| الأكبر | [illegible] | الباعث | [illegible] |
| التواب | [illegible] | الكفيل | [illegible] |
| الجواد | [illegible] | | |
| الخبير | [illegible] | الخالق | [illegible] |
| خير الناصرين | [illegible] | التواب | [illegible] |
| الشكور | [illegible] | العظيم | [illegible] |
| الشافي | [illegible] | [illegible] | [illegible] |

# الجدول الرابع فی معرفة احوال الانبیاء المشهورین صلوات الله وسلامه علیهم اجمعین

| | |
|---|---|
| آدم | [illegible] |
| ادریس | [illegible] |
| نوح | [illegible] |
| هود | [illegible] |
| صالح | [illegible] |
| ابراهیم | [illegible] |
| لوط | [illegible] |
| اسمعیل | [illegible] |
| اسحق | [illegible] |



# بقیة الجدول الرابع فی احوال الانبیاء المشهورین صلوات الله وسلامه علیهم اجمعین

| | |
|---|---|
| ذوالقرنین | [illegible] |
| یعقوب | [illegible] |
| یوسف | [illegible] |
| ایوب | [illegible] |
| شعیب | [illegible] |
| موسی | [illegible] |
| یوشع | [illegible] |
| حزقیل | [illegible] |
| الیاس | [illegible] |

# الجدول الخامس فی معرفة بعض من احوال الأنبیاء المشهورین صلوات الله علیهم اجمعین

| | |
|---|---|
| خضر ع | [illegible] |
| الیاس ع | [illegible] |
| الیسع ع | [illegible] — ذوالکفل ع — [illegible] |
| لقمان ع | [illegible] |
| داود ع | [illegible] |
| سلیمان ع | [illegible] |
| اشمویل ع | [illegible] — حبقوق ع — [illegible] |
| شعیا ع | [illegible] |
| حنظله ع | [illegible] |



# بقیة الجدول الخامس فی معرفة بعض من احوال الأنبیاء المشهورین سلام الله علیهم اجمعین

| | |
|---|---|
| زکریا ع | [illegible] |
| یحیی ع | [illegible] |
| ارمیا ع | [illegible] — دانیال ع — [illegible] |
| حزقیل ع | [illegible] |
| عیسی ع | [illegible] |
| عزیر ع | [illegible] |
| خالد ع | [illegible] — جرجیس ع — [illegible] |
| یونس ع | [illegible] |
| اصحاب کهف | [illegible] |

# الجدول السادس فی معرفة نبذ من احوال خاتم النبیین محمد صلی الله علیه و آله و سلم

| | |
|---|---|
| القابه | [illegible] |
| اول خلقه | [illegible] |
| اسمائه | [illegible] |
| کناه | [illegible] |
| خصائصه | [illegible] |
| یوم ولادته | [illegible] |
| شهر ولادته | [illegible] |
| مکان ولادته | [illegible] |
| اصحابه | [illegible] |



# بقیة الجدول السادس فی معرفة احوال خاتم النبیین و خیر المرسلین محمد المصطفی صلی الله علیه و آله

| | |
|---|---|
| ازواجه | [illegible] |
| عدد اولاده | [illegible] |
| نقش خاتمه | [illegible] |
| هجرته | [illegible] |
| غزواته | [illegible] |
| صلواته | [illegible] |
| سن وفاته | [illegible] |
| مبلغ سنه | [illegible] |
| یوم وفاته | [illegible] |

# الجدول السابع فی نبذ من احوال الامام الاول امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام

| | |
|---|---|
| القابه | [illegible] |
| اسمائه | [illegible] |
| نسبه | [illegible] |
| حسبه | [illegible] |
| سبقه الی الایمان | [illegible] |
| خصائصه | [illegible] |
| بعض کرامته | [illegible] |
| ساعته | [illegible] |
| معجزاته | [illegible] |



# بقیة الجدول السابع فی تتمة معرفة ما یتعلق بالامام الاول امیرالمؤمنین علیه السلام

| | |
|---|---|
| اخلاقه | [illegible] |
| شمائله | [illegible] |
| دعاؤه | [illegible] |
| زوجاته | [illegible] |
| سنین وفاته | [illegible] |
| عدد اولاده | [illegible] |
| موضع وفاته | [illegible] |
| علة وفاته | [illegible] |
| اصحابه | [illegible] |

# الجدول الثامن في معرفة احوال سيّدة النساء فاطمة الزهراء صلوات الله وسلامه عليها

| | | | |
|---|---|---|---|
| اسمها | اول آنکه مشتق از فطام یعنی جدا کردن است واز اسرار عزیمه این نام آنکه مجموع اعداد مفرده حروف آن یک باشد که جمع آن چهل و پنج میشود از نصف آن فقرا این اسم که مقسم باشد مفهوم میشود و در مجموع اعداد مفرده از آنها یک جمع دیگر اینست هشتاد و یک شود از نصف آن دل این اسم که حاء والف یافت شود و فضل مشترک ما بین مجمعین که عدد ذات حرف طاء که در وسط ما بین این دو واقع است مفهوم گردد [illegible] | فاطمه | [illegible] |
| القابها | [illegible] | | |
| كنيتها | [illegible] | كنيتها | [illegible] |
| آباؤها | [illegible] | | |
| مولدها | [illegible] | [illegible] | [illegible] |
| [illegible] | [illegible] | | |
| [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] |
| [illegible] | [illegible] | | |
| [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] |



# بقية الجدول الثامن في معرفة احوال سيّدة النساء فاطمة الزهراء سلام الله عليها

| | | | |
|---|---|---|---|
| نقش خاتمها | [illegible] | [illegible] | بسم الله الرحمن الرحيم [illegible] |
| [illegible] | [illegible] | | |
| [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] |
| علة وفاتها | [illegible] | | |
| [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] |
| [illegible] | [illegible] | | |
| سنة وفاتها | [illegible] | [illegible] | [illegible] |
| يوم وفاتها | [illegible] | | |
| [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] |

# الجدول التاسع فی معرفة احوال الامام الثانی السبط الاول صلوات الله علیه

حسن است یعنی نیکو و این نام را حق تعالی از نام خود که محسن است اشتقاق کرده با نحضرت عطا نمود و در نزد خلقت نور محمدی صلی الله علیه [و آله] که قبل از خلقت آدم و عالم بچهارده هزار سال و در کتب سماوی نامش قیدارات یعنی از تمام اوصیاء و اول عترت و در کشف الغمه آورده که آنحضرت را فاطمه حرم نام نهاده بود و بعد از آنکه او را نزد رسول خدا آورد پرسید که فرزند خود را چه نام کرده گفت حرم پس رسول خدا فرمود که حسن نام وی کن که او نیکوست و بعضی مفهوم کرده که آنحضرت را حرم ... تا تولد امام حسین ... حسین نام نهادند [illegible]

پانزده لقب دارد اول المجتبی ... [illegible] ... اول السبطین ... [illegible]

[illegible]

کنیت او ابو محمد است ... رسول خدا صلی الله علیه و آله او را ... [illegible] ... الاکرمین اهل عشاء ... علی الحالات باد فکیف اطیق ان احصی ... المفاخر ... اذا اعدا الندی صوت الفؤاد ... وکرعا ... [illegible]

مادر بزرگوارش حضرت امیر المؤمنین علیه السلام و والده ماجده اش فاطمه زهرا علیها السلام و مادر رضاعی آنحضرت ام الفضل زوجه عباس است که قبل از تولد آنحضرت بچند مدت خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله عرض کرد که یا رسول الله در خواب دیدم که عضوی از اعضای تو در خانه من افتاده است پس آنحضرت فرمود که نیکو خوابی دیده زود باشد که فاطمه را فرزندی شود و تو او را شیر دهی و بعد از چند روز حسن بهم رسید ... ام الفضل آنحضرت علیه الصلوة و السلام را شیر داد و بشیر قثم بن عباس بود

[illegible]

اللهم صل علی الحسن و الحسین عبدیک و ولیک و ابنی رسولک و سبطی الرحمة و سیدی شباب اهل الجنة افضل ما صلیت علی احد من اولاد النبیین و المرسلین اللهم صل علی الحسن وصی امیر المؤمنین السلام علیک یا ابن رسول الله یا ابن سید الوصیین اشهد انک یا ابن امیر المؤمنین و ابن امین الله و ابن امینه عشت مظلوما و مضیت شهیدا و اشهد انک الامام الزکی الهادی المهدی اللهم صل علیه و بلغ روحه و جسده عنی فی هذه الساعة افضل التحیة و السلام

یوم الثلثاء وقت چاشت و بقولی لیلة الجمعه نیمه شهر رمضان ... [illegible] ... تولدش کشتی برای عقیقه او ذبح نمود ... [illegible]

[illegible]

بقول صحیح سال سیم از هجرت در زمان پادشاهی هرمز ... و بقولی زمان یزدجرد و بقولی سال دویم از هجرت بود و در روز قبل از جنگ بدر ... ولادت کشته شد یعنی در ماه رمضان بود و این قول صحیح است ... اما بنا بر قول اول ... قبل از جنگ بدر بود ... [illegible]

در مدینه طیبه در خانه امیر المؤمنین علیه السلام که در مسجد گشوده ... و اول حجرت که صحابه ... هر که خانه در اطراف مسجد داشت در ها را از مسجد گشوده بودند بعد از آن جبرئیل نازل شد ... [illegible]

[illegible]

از برای دفع مکاره و انتقام کشیدن از اعدا و دفع ظلم منوط است بتوسل بحضرت امیر المؤمنین صلوات الله و سلامه علیه و آنحضرت علیه السلام بدین نحو اللهم انی اسألک بحق امیر المؤمنین علی بن ابیطالب و ابنه الحسن علیهما السلام الا انتقمت لی بهما ممن ظلمنی و غشمنی و آذانی و انطوی علی ذلک و کفیتنی بهما مؤنة کل احد یا ارحم الراحمین

مشهور چهل و هشت سال ... [illegible] ... و این غلط است

# بقیة الجدول التاسع فی بقیة احوال الامام الثانی السبط الاول علیه السلام



العزة لله یعنی قهر و غلبه و تسلط مختص است از برای خدا و هر گاه این کلمه را بر نگین انگشتر خود حک نماید اگر چه بد باشد نقش کند پیوسته بر خلق مسلط باشد و در نظرها معزز باشد و بقولی نقش نگین آنحضرت المستعان بالله و بقولی نقش نگین ابراهیم خلیل علیه السلام بود که لا اله الا الله محمد رسول الله توکلت علی الله استندت ظهری الی الله فوضت امری الی الله لا حول و لا قوة الا بالله و از برکت این شش کلمه از آتش نمرود نجات یافت

یا شدید القوی و یا شدید المحال یا عزیز اذللت بعزتک جمیع من خلقت صل علی محمد و آله و اکفنی مؤنة فلان بما شئت و بجای فلان نام آن کس را باید گفت که از او خوف داری یا دفع او را میخواهی و خواندن این دعا بعد از فریضه مغرب یا دو رکعت نماز حاجت هر سوره که بخواند و بعد بسجده رفتن تأثیری عظیم دارد و مجرب است والسلام

[illegible]

شصت و چهار زن نکاح داشت سوای کنیزان ... [illegible] ... مادر حسن بن حسن ... فاطمه ... [illegible]

دو رکعت ... ظالم ... اللهم ... اللهم ان فلان بن فلان قد ظلمنی و لا اجد من اصول به غیرک ... منه ظلامتی الساعة ... یا مخوف الاحکام یا مرهوب البطش یا ما للکرام الفضل ... ظالم سرنگون گردد

[illegible]

روز پنج شنبه هنگام چاشت منقول است که آنروز جهلم آزار آنحضرت بود ... اللهم انی احتسب نفسی عندک فانی لم اصب بمثلها ... امام حسین علیه السلام گفت ای برادر ... رسول خدا و علی مرتضی و مادران خود خدیجه کبری و فاطمه زهرا ... [illegible]

چهارم ماه جمادی الاولی و بقولی ... [illegible] ... الذی اظن فالله اشد باسا و اشد تنکیلا ... [illegible]

[illegible]

سال چهل و نهم از هجرت و بقولی سال پنجاهم از هجرت بود و امام ... معاویه ... [illegible] ... امام حسین علیه السلام ... سعید بن العاص ... [illegible]

در جانب ... بقیع ... [illegible] ... الحسن بن فاطمة ... [illegible]

[illegible]

زیارتش در ثواب مثل زیارت رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیر المؤمنین علیه السلام است ... امام حسن ... رسول خدا صلی الله علیه و آله ... یا بنی من زارنی حیا او میتا او زار اباک او زار اخاک کان حقا علی ان ازوره یوم القیمة فاخلصه من ذنوبه ... [illegible]

مشهور ... سال ... [illegible]

# الجدول العاشر فی معرفة احوال الامام الثالث والسبط الثانی علیه السلام

| | | | | |
|---|---|---|---|---|
| ۱ اسم | حسین بست مصغر حسن لفظاً و معنیً و حسنات او نمونه از برادر و والد و جد اوست شمس و متفرع از یک اصل اوست چنانچه در این باب خود فرموده خیرة الله من الخلق ابی ثم امی ابن الخیرتین فضة قد صفیت من فضة فانا الفضة وابن الذهبین من له جد کجدی فی الوری او کشیخی فانا ابن القمرین مرویست که اول امام حسن را حمزه نام کرده بود و امام حسین را جعفر پس آن حضرت حسن و حسین نامید و نام دیگر ایشان شبر و شبیر است نامهای پسران هارون که بمعنی حسن و حسین است ... | [illegible] | شانزده لقب محقق شده ۱ شهید لقول النبی صلی الله علیه و آله الحسن و الحسین سیدا شباب اهل الجنة ۲ تقی ۳ بر یعنی نیکوکار ۴ رشید ۵ طیب ۶ وفی که بوزن فعیل است یعنی وفا کننده بوعده ۷ زکی ۸ مبارک یعنی با خیر و برکت ۹ تابع یعنی پیرو دین جد خود ۱۰ دلیل یعنی راهنما ۱۱ السبط ۱۲ شهید ۱۳ طور سینین ۱۴ نور الخافقین یعنی روشنی دهنده دو طرف دنیا ۱۵ ثانی السبطین ۱۶ ثانی آل عبا بترتیب آیه مباهله که در جدول امام حسن علیه السلام اشاره بر آن رفت و بقولی خامس آل عبا بترتیب ظاهر | |
| ۲ کنیت | [illegible] | | | |
| ۳ [illegible] | ابو عبد الله ابو الائمه ابو المساکین زیرا که نوازش فقرا و مساکین شیوه اجداد او بود ... تقرّدت اولادهم جوادو ... در عصر آنحضرت ... پیاده ... | [illegible] | پدرش امیر المؤمنین علیه السلام مادرش فاطمه زهرا صلوات الله علیها نسب شریفش بهترین نسبها ... انا ابن علی الخیر من آل هاشم کفانی بهذا مفخراً حین افخر ... محمد رسول الله اکرم من مشی ... وفاطمة امی سلالة احمد ... ما لیس ینکر ... | |
| ۴ [illegible] | [illegible] | | | |
| ۵ [illegible] | روز شنبه و بقولی روز سه شنبه و بقولی روز پنجشنبه مرویست که درین روز رسول خدا صلی الله علیه و آله آنحضرت را بر سر دست گرفته ... اللهم انی اعیذه بک و اولاده من الشیطان الرجیم عقیقه او نیز چون عقیقه برادرش ... | [illegible] | شهر ولادتش در روز سیم ماه شعبان و بقولی پنجم از ماه مذکور ... پنجم شهر ربیع الاول و بقولی سلخ ربیع الاول ... حسن علیه السلام که در جدول سابق گذشت فاصله زیاده بر این قدر میشود | |
| ۶ [illegible] | [illegible] | | | |
| ۷ [illegible] | بقولی سال سیم از هجرت اما بقول اصح چهارم از هجرت در ایام دولت پرویز و بقولی شهریار عجم و بقولی ایام پادشاهی یزدجرد پسر شهریار بود که در زمان خلافت عمر تاب مقاومت مسلمانان نیاورده بجانب فارس گریخت و مدتی در آنجا بود و شهر بشهر پیدا گرد و باز از صولت لشکر از فارس بخراسان گریخت | [illegible] | انس بن الحرث کاهلی ... اسعد بن حنظله اسلم بن المولی ... بشر بن غالب ... جابر بن عبد الله ... [illegible] | |
| ۸ [illegible] | [illegible] | | | |
| ۹ [illegible] | وسیله جهت رحمت و مغفرت و کفاره گناهان اختصاص رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیر المؤمنین و فاطمه زهرا و امام حسن مجتبی و آنحضرت دارد بدین توسل اللهم صل علی محمد و آل محمد و علی اهل بیته و بنیها و اسئلک بحقهم ان تعیننی علی طاعتک و رضوانک و تبلغنی بهم افضل ما بلغت احداً من اولیائک انک جواد کریم غفور رحیم | [illegible] | پنجاه و هفت سال نزد برخی پنجاه و هشت سال و چند ماه ... [illegible] | |



# بقیة الجدول العاشر فی معرفة احوال الامام الثالث والسبط الثانی علیه السلام

| | | | | |
|---|---|---|---|---|
| ۱ [illegible] | ان الله بالغ امره یعنی هر که سپاس حق تعالی بجا آورد ... نقش انگشتر ... نقش انگشتر برای حفظ نیکوست خصوصاً اگر نگین عقیق باشد ... ما شاء الله لا قوة الا بالله ... محمد و علی نقش کند برای توسعه معیشت ... | [illegible] | اللهم انی اسئلک بکلماتک و معاقد عرشک و سکان سمواتک و ارضک و انبیائک و رسلک ان تستجیب لی فقد رهقنی من امری عسر فاسئلک ان تصلی علی محمد و آل محمد و ان تجعل لی من امری یسرا ... | |
| ۲ [illegible] | [illegible] | | | |
| ۳ [illegible] | سوای پسران خاص بیخ زن نکاحی داشت شهربانو بنت یزدجرد بن شهریار کسری پادشاه فارس ... علی اوسط ملقب بامام زین العابدین ... | [illegible] | بقولی چهار پسر و دو دختر و بقولی شش پسر و سه دختر و بقول اصح شش پسر و چهار دختر ... در کربلا با آنحضرت شهید شد ... علی اصغر ... | |
| ۴ [illegible] | [illegible] | | | |
| ۵ [illegible] | روز جمعه و بقولی روز دوشنبه اول اصح است ... بعد از نماز عصر بود که آنحضرت در حین ... | [illegible] | دهم ماه محرم هر که در روز عاشورا ... بسم الله الرحمن الرحیم سبحان الله ملأ المیزان و منتهی العلم و مبلغ الرضا ... | |
| ۶ [illegible] | [illegible] | | | |
| ۷ [illegible] | سال شصت و یکم از هجرت بود در ایام پادشاهی یزید پلید که بعلت قتل آنحضرت آشوب عظیم در همه عالم ... | [illegible] | بمکانی از زمین کربلا نزدیک بقبر آنحضرت ... | |
| ۸ [illegible] | [illegible] | | | |
| ۹ [illegible] | اشجع عرب ... مستجاب الدعوات ... شفای امراض از خاک او ... | [illegible] | شصت و یک سال ... [illegible] | |

# الجدول الحادی عشر فی معرفة آثار الامام الرابع السجاد الراکع صلوٰة الله علیه

| | | | |
|---|---|---|---|
| اسمه ونسبه ۱ | علی ماخوذ از علو بمعنی تفوق در مدایح ومناقب است چنانچه در خیاب گفته اند نظم علی بن الحسین بن نصر علی لا فی فرا قبل عبده الامام الذی کان البریة کلها ... الوری وحفوده لم شرف نوی النجوم ... اوتیه حق لسان جوده ... بالغیث ... نضارة ... نفتاب ... تقاصرت الشهب العلی عن صعود ... | القابه ۹۹ | اسبید ... زکی ... سجاد باعتبار کثرت نماز و ذوالثفنات باعتبار ... از کثرت سجده ... زین العابدین ... اماوزمان ... مولای زین العابدین ... الی ذی ولا ... |
| کنیته ۲ | [illegible] | | |
| ... ۳ | [illegible] | امه ... | [illegible] |
| ... ۴ | [illegible] | | |
| ... ۵ | یوم الجمعة ... [illegible] | ... | [illegible] |
| ... ۶ | [illegible] | | |
| ... ۷ | سال ... [illegible] | ... | اللهم صل علی علی بن الحسین زین العابدین ... [illegible] |
| ... ۸ | [illegible] | | |
| ... ۹ | ... [illegible] | ... | ... علی بن الحسین علیه السلام ... انک جواد کریم |



# بقیة الجدول الحادی عشر فی معرفة آثار الامام الرابع الساجد الراکع صلوات الله وسلامه علیه

| | | | |
|---|---|---|---|
| نقش خاتمه ۱۰ | خاتم ... حسبی الله ... بقولی نقش نگین آنحضرت ... بقولی نقش ... ان الله بالغ امره ... عیسی بن مریم ... و الویل لعبد ... | دعاء ۱ | یا دائم یا دیموم یا حی یا قیوم یا کاشف الغم یا فارج الهم ویا باعث الرسل ویا صادق الوعد صل علی محمد وآل محمد وافعل بی ما انت اهله ... اللهم انی اسئلک باسمک الله الله الله ... لا اله الا هو رب العرش العظیم ... الحمد لله الذی لم یجعلنی من السواد المخترم |
| ... ۱۱ | [illegible] | | |
| ... ۱۲ | [illegible] | ... ۱ | [illegible] |
| ... ۱۳ | [illegible] | | |
| ... ۱۴ | یوم شنبه ... [illegible] | ... | [illegible] |
| ... ۱۵ | [illegible] | | |
| ... ۱۶ | [illegible] | ... | [illegible] |
| ... ۱۷ | [illegible] | | |
| ... ۱۸ | [illegible] | ... | [illegible] ... وکفی بالله شهیدا |

# بقیة الجدول الثانی عشر فی معرفة تتمة احوال الامام الخامس الحبر المؤتمن الموسس صلوات الله علیه وسلامه

[illegible]



# الجدول الثانی عشر فی معرفة احوال الامام الخامس الحبر المؤسس صلوات الله علیه وسلامه

| | | | |
|---|---|---|---|
| اسمه | محمد است مشتق از باب تفعیل جهة مبالغه و تکثیر یا تفضیل لفظ احمد از آن است که چون خدای بندگان خود را ستایش کند چنانچه حمید است هر آینه آنحضرت حمد کرده شده تر از همه کس باشد و چون خلایق ستایش خدا کنند آنحضرت احمد از همه باشد یعنی حمد کننده تر از همه چه او رب النوع بنی آدم است و این اسم را فضل بسیار است بروایت که در قیامت حق تعالی عز شانه امر کند که هر کس را که نام محمد باشد بحساب داخل بهشت کنند برای کرامت این نام مبارک و نام دیگر آنحضرت [illegible] | القابه | هشت لقب دارد باقر العلوم یعنی شکافنده علمها چه ماخوذ از بقر بسکون قاف بمعنی شکم کرونست شاهد العلوم یعنی بیرون آورنده علمها از پرده خفا و مشهور کننده آن ذاکر شاکر هادی صابر جامع حاضر که همه این القاب دلالت بر کثرت علم و کمال آنحضرت دارد و بهترین القاب لقب اول است [illegible] |

[illegible]

# الجدول الثالث عشر في معرفة احوال الامام السادس العالم الكامل الحبر المؤسس صلوات الله عليه

| | | | |
|---|---|---|---|
| [illegible] | جعفر است که دلالت میکند بر کثرت فیوضات و علوم غیر متناهی چه نهر جاری کثیر النفع را جعفر گویند و جمع آن جعافر است و جعفر نام نهریست در بهشت ... مناسبت آنکه علوم اهل بیت نبوت آنچه باعث ترویج مذهب اثنی عشر گردیده از آنحضرت فیضان نموده ... [illegible] | [illegible] | صادق یعنی راستگوینده و مصدق ... [illegible] |
| [illegible] | [illegible] | | |
| [illegible] | ابو عبدالله است ... [illegible] | [illegible] | اللهم صل على جعفر بن محمد الصادق خازن العلم الداعي اليك بالحق النور المبين اللهم فكما جعلته معدن كلامك ووحيك وخازن علمك ولسان توحيدك وولي امرك ومستحفظ دينك فصل عليه افضل ما صليت على احد من اصفيائك وحججك انك حميد مجيد |
| [illegible] | [illegible] | | |
| [illegible] | [illegible] | [illegible] | روز الاحد ... [illegible] |
| [illegible] | [illegible] | | |
| [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] |
| [illegible] | [illegible] | | |
| [illegible] | توفیق یافتن بر وظایف طاعات و عبادات و ادای سنن و قربات و ترک محرمات ... بر توسل جستن بآنحضرت علیه السلام بدین طریق اللهم انی اسئلك بحق الصادق جعفر بن محمد المحقق الا اعنتني به على طاعتك ورضوانك وبلغتني به ما يرضيك عني انك فعال لما تريد | [illegible] | مشهور شصت و پنجسال است و بروایتی شصت و هشت سال ... [illegible] |



# بقية الجدول الثالث عشر في معرفة احوال الامام السادس والحبر المؤسس صلوات الله عليه وهو الثالث سيد التابعين

| | | | |
|---|---|---|---|
| [illegible] | انت ثقتي فاعصمني من خلقك يعني تو اي اعتماد من اي پروردگار من ... [illegible] | [illegible] | يا ديان غير متوان يا ارحم الراحمين اجعل لشيعتي من النار وقاء ولهم عندك رضى ... [illegible] |
| [illegible] | [illegible] | | |
| [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] |
| [illegible] | [illegible] | | |
| [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] |
| [illegible] | [illegible] | | |
| [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] |
| [illegible] | [illegible] | | |
| [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] |

## الجدول الرابع عشر في معرفة احوال الامام السابع والزاهد الراكع صلوات الله الملك الصانع علیه

موسی نام کاظم و اصل بن نام ... حضرت ... مادرش ... از خوف فرعون ... فرزند شان پسر باشد ... حضرت را میان صندوق ... در آب ... فرعون ... موسی شد

اللهم صل علی الامین المؤتمن موسی بن جعفر الوفی الطاهر الزکی النور المبین المجتهد المحتسب الصابر علی الاذی فیک اللهم وکما بلغ عن آبائه ما استودع فی امرک ونهیک وحمل علی المحجة وکابد اهل العزة والشدة فیما کان یلقی من جهال قومه رب فصل علیه افضل واکمل ما صلیت علی احد ممن اطاعک ونصح لعبادک انک غفور رحیم

[illegible]

## بقیة الجدول الرابع عشر في معرفة احوال الامام السابع العالم الباء صلوات الله وسلامه علیه

حسبی الله یعنی بس است مرا خدا ... و در نقش ... العزة لله یعنی غلبه و قدرت حقیقة مختص است برای خدای که حمد کرده شده است و بقولی این کلمات بود کن من الله علی حذر یعنی بوده باش از غضب و سخط الهی حذر و بقولی انگشتر آنحضرت بعینه انگشتر حضرت امیر المؤمنین علیه السلام بود و الملک لله ...

الحضر را ادعیه بسیار است ولیکن ... یا خالق الخلق و یا باسط الرزق و یا فالق الحب و یا باری النسم و محیی الموتی و ممیت الاحیاء ... ومخرج النبات افعل بی ما انت اهله فانک اهل التقوی واهل المغفرة اللهم انی اسئلک الراحة عند الموت والعفو عند الحساب ... من عندک فلیحسن العفو من عندک ... اللهم اجعلها علینا رحمة وعلی الکافرین عذابا وصلی الله علی محمد وآله

[illegible]

جدول پانزدهم در شناختن احوال هشتم حضرت امام رضا علیه السلام

# الجدول الخامس عشر في معرفة احوال الامام الثامن من ولي الله الرضا المعصوم المؤتمن صلوات الله وسلامه عليه

[illegible] تقریر این عدة الشهور عند الله اثنی عشر شهرا مذکور است که مراد از شهور دوازده [illegible]

اللهم صل على علي بن موسى الرضا الذي ارتضيته ورضيت به من شئت من خلقك اللهم وكما جعلته حجة على خلقك وقائما بامرك وناصرا لدينك وشاهدا على عبادك وكما نصح لهم في السر والعلانية ودعا الى سبيلك [illegible]

[illegible]

بقیه جدول پانزدهم در شناختن احوال امام هشتم حضرت امام رضا علیه السلام

# بقية الجدول الخامس عشر في معرفة احوال الامام الثامن ولي الله الرضا المعصوم المؤتمن ولي الممتحن صلوات الله وسلامه عليه

ماشاء الله لا قوة الا بالله بود ونقش انگشتر [illegible] معتقدات تخصیص اگر در زیر آن محمد و علی کنده باشد و بقولی نقش نگین آنحضرت حسبی الله حافظ بود ونقش [illegible]

اللهم اعطني الهدى وثبتني عليه واحشرني عليه امنا امن من لا خوف عليه ولا حزن ولا جزع انك اهل التقوى واهل المغفرة [illegible]

[illegible]

# الجدول السادس عشر في معرفة احوال الامام التاسع والنور الساطع صلوات الله عليه الملك القاهر

اللهم صل على محمد بن علي بن موسى علم التقى ونور الهدى ومعدن الوفاء وفرع الازكياء وخليفة الاوصياء وامينك على وحيك اللهم وكما هديت به من الضلالة واستنقذت به من الحيرة وارشدت به من اهتدى وزكيت به من تزكى فصل عليه افضل ما صليت على احد من اوليائك وبقية اصفيائك انك عزيز حكيم

[illegible]



# بقية الجدول السادس عشر في معرفة احوال الامام التاسع والنور الساطع صلوات الله عليه الملك الصانع

يا من لا شبيه له ولا مثال انت الله لا اله الا انت ولا خالق الا انت تفني المخلوقين وتبقى انت حلمت عمن عصاك وفي المغفرة رضاك [illegible] انت الرب وانا العبد [illegible] فان كانت دعوتي لك صادقة [illegible] اللهم [illegible]

[illegible]

# الجدول السابع عشر فی معرفة احوال الامام العاشر والمولی الهمام صلوات الله الملک العلام علیه

| | | |
|---|---|---|
| اسمه | علی است که دلالت صریح بر ارتفاع شان و سمو مکان آنحضرت کند ... فاعل است یا خود از علو خواه در مراتب ظهور و خواه در مراتب خفا مانند جد بزرگوارش لهذا در کتب متقدمه سماویه بطول است یعنی بهمان نام ... صفات علی الخیر من اتقی ... ارجحها اصلیه ثوبت ثوابه صفات جلال بما عهد لمناسبها سواه ولاحد ... بثبت مجابیه بعوقها طفلا و کهلا فانعت معانی المعانی هی ... منا نبت من فاضت به شهدت له ... لا فقر من ... | کنیته [illegible] |
| کنیته | [illegible] | |
| لقبه | آنحضرت را ده لقب است نقی نجیب ذکی طیب امین هادی حجر ناصح فتاح فقیه عالم متوکل و این لقب آنحضرت مخفی بود و آنحضرت شیعیان را در خطاب این لقب جمود و شیعیان را وصیت نمود که در مجمعها این لقب نگویند و اعراض از آن نمایند از راه تقیه زیرا که خلیفه نیز ملقب بمتوکل بود و از استماع این لقب احتمال اذیت با آنحضرت داشت اما مشهورترین لقبهای آنحضرت لقب اول است و گاهی آنحضرت ملقب بعسکری گویند بعلت آنکه خلیفه او را بلشکرگاه خود طلبیده بود با فرزندش و هردو را عسکریین گویند | ماثره |
| | ابوالحسن الرابع و بقولی ابوالحسن الثالث ... چنانچه در جدول امام رضا علیه السلام گفته شد و این کنیت باعتبار آنست که امام حسن عسکری فرزند او است یا اعتبار آنکه ... المعالی بهم دلوا الامام علی الرشاد ... من خدم الفؤاد ... | اللهم صل علی علی بن محمد وصی الاوصیاء و امام الاتقیاء و خلف ائمة الهدی علی الخلائق اجمعین اللهم کما جعلته نورا یستضیء به المؤمنون فبشر بالجزیل من ثوابک و انذر بالالیم من عقابک و حذر باسک و ذکر بآیاتک و احل حلالک و حرم حرامک و بین شرایعک و فرایضک و حض علی عبادتک و امر بطاعتک و نهی عن معصیتک فصل علیه افضل ما صلیت علی احد من اولیائک و ذریة انبیائک یا اله العالمین |
| معجزته | [illegible] | |
| مولده | یوم السبت و بقولی یوم الجمعه و بقولی یوم الخمیس دوم ماه رجب و بقولی پنجم از آن و بقولی سیزدهم از ماه مذکور و بقولی پانزدهم از ماه ذی حجه و بقولی هفدهم از آن و بقولی منتصف شهر جمادی الآخره سنه اربع عشره و مائتین من الهجرة النبویه و بقول اصح اثنا عشر و مائتین در زمان سلطنت مامون الرشید بموضع صریا که مکانیست در مدینه طیبه متولد شد و ظاهر ساختن خوارق عادات در حین تولد خود | مادرش ام محمد نقی علیه السلام مادرش کنیزکی بود سوسن نام بقول صحیح و بقولی دیگر مغربیه بود از غایت سفیدی چهره و نزاکت لون و بقولی نامش سمانه بود و از راه فرط اعضا در کشف الغمه آورده سمانه مغربیه بود و بسیار تقدیر در غایت کمال و جمال و حسن صوری و معنوی و قابلیت و صلاح و همیشه روزه داشتی و در زهد و تقوی مثل و مانند و نظیر نداشت |
| ساعته | [illegible] | |
| اخلاقه | [illegible] | |
| احتیاطه | [illegible] | |
| | [illegible] | |



# بقیة الجدول السابع عشر فی معرفة احوال الامام العاشر ... صلوات الله الملک العلام علیه

| | | |
|---|---|---|
| نقش خاتمه | الله الملک ... نقش نگین حضرت امیرالمؤمنین نقش انگشتر ... الواحد القهار ... و نقش حفظ العهود من اخلاق المعبود ... نقش انگشتر ... | یا برهان یا مبین یا منیر یا رب یا کهیعص ... ذوی الشروط ... النجاة یوم ینفخ فی الصور ... و اسئلک ... [illegible] |
| اصحابه | [illegible] | |
| | [illegible] | [illegible] |
| | [illegible] | |
| علة وفاته | [illegible] | یوم الاثنین ... [illegible] |
| | [illegible] | |
| | الحضرت ... [illegible] | [illegible] |
| | [illegible] | |
| خلافته | [illegible] | [illegible] |

# الجدول التاسع عشر في معرفة احوال الامام الحادي عشر صاحب العسكر صلوات الله عليه وسلامه

دو نام دارد یکی حسن و دیگری ... علیه السلام ... [illegible]
... فاطمة بنت ... عزیز ... [illegible]
أدرك الامام الحسن العسكري ... على الامام الطاهر المجتبى
على الكريم الطيب المنتصر على امام عدل احكامه ... [illegible]
... ابن جبار الله في الارض

نقی لقب ... و زکی ... ادری عسکری یعنی منسوب بلشکر و از مشهورترین القاب آنحضرت است و سبب ملقب شدن آنحضرت باین لقب آنکه چون خلیفه خوف از آنحضرت داشت که مبادا خروج کند خواست عرض لشکر خود را بآنحضرت نماید روزی سوار شده بسواره آنحضرت با لشکر بصحرا رفت تلی عظیم در صحرا بود بلشکر گفت که هر نفری یک دامن خاک از زمین آن ... [illegible] ... بر طرف شده در جای آن تل کوه عظیم ... آنحضرت ... و انگشت خود چندان لشکر ... که میان زمین و آسمان را پر کنند

[illegible]

ابو محمد و ابو القاسم باعتبار فرزند عزیزش که مسمی بمحمد و ملقب بقائم است و همین فضیلت برای او بس چنانچه در کشف الغمه از کفعمی کمال الدین محمد بن طلحه آورده که لابی محمد الحسن ... من دینه ان جعل محمدا المهدی من کتبیه و اخرجه من صلبه و جعله معدودا من ... [illegible]
في الدنيا ايام مقامه ... [illegible]

پدرش امام علی النقی علیه السلام مادرش جاریه بود ... در نهایت آداب و غایت زهد و طاعت و تقوی مسماة بسمانه و مکناة بام الحسن ... و بقولی نامش حدیثه بضم حاء و دال مهملتین و ثاء مثلثه و بقولی نامش حدیث بدون تای آخر بود و بقولی ریحانه و بعضی سمانت ... [illegible] ... گویند در ولایت خود پادشاه زاده بوده است

[illegible]

یوم الاثنین و بقولی یوم الجمعه چهارم ماه ربیع الثانی یا هشتم یا دهم از آن یا دهم از ماه رمضان در سنه صد و سی و دو ... و بقول صحیح ... [illegible] ... در مدینه ... در زمان الواثق بالله و بقول بعضی که تولد او در سنه صد و سی و دو ... و وفات پدرش باتفاق کل مورخین در سنه ... و پنجاه و چهار است پس لازم آید که آنحضرت ... ساله بوده ... [illegible] ... امام اما عمرش ... [illegible]

شخصی بآنحضرت نوشت که اختلاف در میان فرق اسلام است ... [illegible] ... ان في ذلك لآيات لقوم يعقلون ... [illegible]
... شخصی بآنحضرت نوشت که والدین را دعا کن ... [illegible]

[illegible]

گندم گون و متوسط القامه نه بسیار فربه و نه بسیار ضعیف جمیل الوجه بارونق و تازه و همه اعضا باندازه و ابروها پیوسته و چشمهای فراخ و پیشانی گشاده و گونه سرخ و خال سیاهی در گونه راست و دندانها درشت و سفید و لب در کمال نزاکت و شیرین و گردن بلند و سینه پهن و مابین منکبین گشاده و گوشت ران‌ها بسیار و با هیبت و جلالت

در نهایت بخشش و حیا و تمکین و فضل و عفاف و صیانت نفس و زهد و عبادت و بسیار سجود و پیشانیش پیدا و خلق نیکو بنحوی که در نزد دوست و دشمن خیلی مذکور ... [illegible] ... در غایت اجلال و اعظام و محل رفیع و قول جمیل ... میفرمود بنحوی که حروف کلامش شمرده میشد ... [illegible]

[illegible]

راست آمدن کارهای دینی و دنیوی غلط نشدن آن و مسرور بودن در همه اوقات موقوف بر توسل جستن بآنحضرت بطریق اللهم اني اسئلك بحق وليك الحسن بن علي الا اعنتني به على الخربي بطاعتك ورضوانك ... في منقلبي يا ارحم الراحمين و ایضا برای دفع دشمن و تفریق جماعت ایشان توسل به آنحضرت علیه السلام باید جست

مشهور ... سال و چند ماه ... [illegible] ... ماه ... [illegible]



# بقية الجدول التاسع عشر في معرفة احوال الامام الحادي عشر عليه من الصلوات انماها ومن التحيات ازكاها

المنقبة ... و بقولی ... یعنی ... [illegible] ... شهید ... الحسن بن علی و گویند عقیق سفید بوده و مطلق عقیق را ثواب عظیم است برای وسعت رزق و امان از مخاوف و استجابت دعا در روایت آمده که عقیق ... سرخ مشرف ... بخانه رسول خدا و سفید بخانه امیرالمؤمنین و زرد بخانه فاطمه ... نماز کردن با انگشتر عقیق برابر است با هزار رکعت ... و موجب ... [illegible]

یا عزیز العز في عزه یا اعز عزیز بعزه ... [illegible] ... اطرد عني همزات الشياطين وادفع عني بدفعك وامنع عني بمنعك ... من خيار خلقك يا واحد يا احد يا فرد يا صمد ... الله الرحمن الرحيم ... [illegible] ... اعظم ... [illegible]

[illegible]

آنحضرت را از زن نکاحی هیچ نبود نه عقد دائم و نه عقد منقطع و از کنیزان خاص یک سریه داشته است نرجس نام والده حضرت مهدی علیه السلام که احوال او در جدول آنحضرت ذکر شود و روایت که او شکل و شمایل حضرت امام حسن علیه السلام در خواب دیده بود و ... [illegible] ... آنحضرت ... بگور و ار ... [illegible] ... امام علی النقی ... [illegible]

زاده آنحضرت بقولی منحصر است بحضرت صاحب الامر علیه السلام که در جدول آتی ذکر شود و یک دختر که نام و نشان او در کتب ... و بقول اصح منحصر است بحضرت صاحب الزمان که از نرجس خاتون ... [illegible] ... و رواج دهنده ملت خاتم النبیین ... [illegible]

[illegible]

وی را مسموم کردند در زمان خلافت معتمد بن خلیفه بقول صحیح و بقولی در زمان معتز بالله ... غلط است و بقولی معتصم و برانگیخته معتمد زهر در طعام چشانیده و آزارش در جدول ... نقل است که بعد از مسموم شدن آنحضرت خلیفه از کرده خود نادم شد جمعی از علمای طب را بآنحضرت موکل ساخته مقرر کرد که شب و روز از خانه آنحضرت حرکت نکنند تا معالجه آنحضرت شود و هر روز خود بپرسش می‌آید فایده نکرد و بعد ... [illegible]

یوم الجمعه و بقولی یوم الاحد و بقولی یوم الاربعا بهر تقدیر در غره ماه ربیع الاول و بقول اصح در هشتم ماه مذکور در سنه ستین و مائتین از هجرت در بلده سر من رای در زمان ... المعتمد علی الله عباسی بنا بر صحیح و در عهد دولت معتز بالله وفات کرده ... غلط است ... [illegible] ... آنحضرت فوت شده بود بنا بر آنچه در جدول خلفا ذکر شود

[illegible]

در کتاب اعلام الوری ... آورده اند که در اوایل امامت آنحضرت بقیه ملک معتز بالله بود و چند ماهی بعد از آن خلافت منتقل شد به مهتدی ... یازده ماه و بیست و هشت روز پس احمد معروف بمعتمد علی الله ابن جعفر المتوکل پادشاهی یافت و سلطنت او بیست سال و یازده ماه کشید و بعد از مضی پنج سال از ملک او ابو محمد ... [illegible] ... شهادت رسید بدلیل قول صادق علیه السلام ما منا الا مقتول او شهید

در کشف الغمه آورده که چون خبر وفات آنحضرت در سر من رای فاش شد تمام شهر از صغیر و کبیر فریاد و فغان برآوردند ... گویا قیامت برپا شده و بازارها را بستند و تمام بنی هاشم و بنی عباس و قراء و کتاب و قضات و معدلون سوار شدند و مردم بر جنازه آنحضرت جمعیت کردند ... [illegible] ... صبح تا شام ... [illegible] ... ابو عیسی پسر متوکل ... آنحضرت ... بیرون کرد ... [illegible]

[illegible]

روز پنجشنبه مختص بآنحضرت است ... [illegible] ... زیارت ... کردن ... السلام عليك يا ولي الله ... السلام عليك يا حجة الله وخالصته السلام عليك يا امام المؤمنين ووارث المرسلين وحجة رب العالمين صلى الله عليك وعلى آل بيتك الطيبين الطاهرين يا مولاي يا ابا محمد الحسن بن علي انا مولى لك ولآل بيتك وهذا يومك وهو يوم الخميس وانا ضيفك ومستجير بك فاحسن ضيافتي بحق آل بيتك الطيبين

بقولی شش سال و بقولی پنج سال و هشت ماه و کسری و بقولی پنج سال و هشت ماه و سیزده روز ... [illegible] ... و پنج روز یا دوازده روز و چهار سال و هشتاد و سه روز یا پنج روز یا شش روز ... [illegible] ... غلط ... [illegible] ... در جدول ولادت ذکر ...

# الجدول التاسع عشر فی معرفة احوال الامام الثانی عشر والحجة المنتظر صلوات الله الملک الاکبر علیه

| | | | |
|---|---|---|---|
| [illegible] | محمد است بیم اول شاده با میم مامون و حا اش اشعار حبیب محبوب و میم ثانیش نبی مبارک و میمون و دال اش دال بردن مخزونست با میم اول اش حا حاکم و میم ثانی مجد و دال دین اسلام و با میم اول منت و حاجت و میم ثانی مغفرت و دال دوام باشد چنانکه قوام و دین انبوت الی یوم القیمه [illegible] | [illegible] | حجة الله یعنی غلبه سلطنت خدای بر خلایق چه این هردو بواسطه آنحضرت بظهور خواهد رسید صاحب الزمان یعنی فرمانفرمای اینعصر مهدی یعنی هدایت یافته براه راست هادی یعنی او نماید مردم بدین حق قائم یعنی برپا شونده در فرمان حق مرویست که آنحضرت همیشه در شب و روز در جهان [illegible] یعنی غایب شونده مدت مدید [illegible] |
| [illegible] | [illegible] | | |
| [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] |
| [illegible] | [illegible] | | |
| [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] |
| [illegible] | [illegible] | | |
| [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] |
| [illegible] | [illegible] | | |
| [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] |



# بقیة الجدول التاسع عشر معرفة احوال الامام الثانی عشر والحجة المنتظر صلوات الله الملک الاکبر علیه

| | | | |
|---|---|---|---|
| [illegible] | انا حجة الله و بقولی انا حجة الله و خالصته و بعهد مهر حکومت روی مین کند محجة الله و رضوانه علی الامام الحجة القائم علی ایام حکمه نافذ اذا اراد الحکم فی الله خلیفة الله علی خلقه و احد الحق من الظالم المطهر الارض و محیی الدین العلو الطاهر ناصر دین الله [illegible] | [illegible] | الهی النور الانور [illegible] صل علی محمد و آل محمد و اجعل لی و لشیعتی من الضیق فرجا و من الهم مخرجا و اوسع لنا المنهج و اطلق لنا من عندک ما یفرج و افعل بنا ما انت اهله یا کریم [illegible] الحمد لله رب العالمین صلوات الله علی نبیه محمد و آله الطاهرین [illegible] کر بعد از عطسه انگشت سبابه را بر سر دماغ که [illegible] |
| [illegible] | [illegible] | | |
| [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] |
| [illegible] | [illegible] | | |
| [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] |
| [illegible] | [illegible] | | |
| [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] |
| [illegible] | [illegible] | | |
| [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] |

# الجدول الحادی والعشرون فی معرفة شهور السنة والایام المتبرکة والاعیاد

| | |
|---|---|
| المحرم | [illegible] |
| الصفر | [illegible] |
| الربیعان | [illegible] |
| الجمادیان | [illegible] |
| رجب | [illegible] |
| شعبان | [illegible] |
| رمضان | [illegible] |
| الشوال | [illegible] |
| ذوالقعدة | [illegible] |



# بقیة الجدول الحادی والعشرین فی معرفة بقیة الشهور وایام الاسبوع ونیروز الفرس

| | |
|---|---|
| ذوالحجة | [illegible] |
| یوم الاحد | [illegible] |
| یوم الاثنین | [illegible] |
| یوم الثلثاء | [illegible] |
| یوم الاربعاء | [illegible] |
| یوم الخمیس | [illegible] |
| یوم الجمعة | [illegible] |
| یوم السبت | [illegible] |
| نیروز الفرس | [illegible] |

# الجدول الثانی والعشرون فی معرفة ایام الشهور الفارسیة واحکام الرؤیا والارقوع والمنحوسة وسکز بلدوز

[illegible]

مبارک و بسیار نیکست خلق شده است آدم درآن وآدم تزویج او با آدم در این روز شده نیکوست درآن تزویج و بنای منازل و نوشتن عهدنامه و اختیار سفر و طلب حوایج و هر کس که در اول این روز بیمار شود آزارش سبک باشد بخلاف آخر که ثقیل گردد و طفلی که در این روز متولد گردد تربیت پذیر باشد و عمارت کردن و بنا نهادن در این روز بسیار مبارک و نیکو باشد

[illegible]

نیکوست از برای هر گونه حاجتی چون بیع و شری و غرس و بنا و غیره و در این روز نزد سلطان رود مطلبش بر آید و مکروه است درآن کوب سفر و دریا رفتن سوی جنگ و نوشتن عهدنامه و هر کس در این روز تولد یابد تربیت پذیر باشد و گریخته در این روز نیاید مگر به تعب و هر که در این روز بیمار گردد مرض او شدید شود

[illegible]

نیکوست از برای هر چیزی هر که در این روز متولد گردد مال وی بسیار شود ولیکن ظالم باشد و طلب علم و بیع و شری و استقراض و رکوب بحر در این روز نیکوست و گریخته در این روز پیدا شود و مریض بری گردد و بروایتی مولود طویل العمر و مشغوف بطلب علم باشد و در آخر عمر متمول گردد

[illegible]

متوسط است و صلاحیت دارد از برای سفر و قضای حوایج و وضع اساس و حصار و زرع و غرس اشجار و کرم انگور و دخول بر سلطان و اتخاذ ماشیه و هر که بگریزد بدست آید و هر که در این روز گم شود خبرش باید و هر که در این روز بیمار شود مرض وی صعب گردد و هر که متولد شود در بدی دشوار باشد

[illegible]

روزیست که موسی عصای خود را بر حجر زد دوازده چشمه آب بیرون آمد هم در این روز دریا شکافت نیکوست در آن سفر و هر چه اراده کنی سوی آن و هر که در این روز تزویج کند تفرقه واقع شود میان او و زوجه اش و اگر در این روز از سفر آمده باشی بر اهل خود داخل شو و هر که در این روز بیمار شود شدید گردد و مولود در این روز طویل العمر باشد

[illegible]



# بقیة الجدول الثانی والعشرین فی معرفة ایام الشهور الفارسیة واحکام الرؤیا والارقوع والمنحوسة وسکز بلدوز

[illegible]

نحس مستمر است و قابیل پسر آدم در این روز تولد یافته و در همین روز برادر خود هابیل را کشته و ندانست نعش او را چه کند کلاغی پیدا شد با کلاغی دیگر جنگ کرد و او را بکشت و بمنقار زمین را گود کرد کلاغ در خاک کرد قابیل همچنان کرد و هابیل را خود پنهان کرد و اول کسی که خون ناحق کرد او بود در این روز از منزل بیرون نباید رفت مولود حال نیکوست

[illegible]

روز تولد شیث است نیکوست از برای شروع در هر عملی و از برای بیع و شری نیکست و لیکن مباشرت درآن و داخل شدن بر سلاطین هر که در این روز بگریزد و بطلب و رغبت باز آید و هر که بیمار شود زود صحت یابد و هر که راه گم کند سالم ماند و هر که در این روز متولد شود عیش وی نیکو گردد و لیکن میرد تا فقیر گردد و از سلطان بگریزد والسلام ذوالاکرام

[illegible]

روز متوسط است حذر باید کرد از منازعه و استقراض زیرا که هر کس در این روز چیزی بکسی دهد دیگر بآن خبر باز نگردد و مولود در این روز حالش نیکو باشد و بروایت دیگر روز مصادفی نیکست طلب هر چه خواهند و تزویج و بیع و شری و زراعت و دیدن سلاطین همگی نیکست و بروایتی روز سنگین است صلاحیت طلب حاجت ندارد

[illegible]

خفیف و نیکوست از برای طلب حوایج و تجارت و تزویج و دخول سلاطین حضرت یوسف علیه السلام در این روز تولد یافته پس هر که در این روز متولد شود تربیتش نیکو باشد و هر که در این روز بسفر رود خیر بسیار یابد و سالماً و غانماً باهلش برگردد و از آن سفر متلذذ و محظوظ باشد

[illegible]

روز سبک و نیکوست از برای هر امری و حاجتی هر کس در این روز تولد یابد حلیم و مال بسیار بدست آید هر که در این روز بیمار شود بزودی خلاصی یابد و هر کس بگریزد باز آید و لیکن نوشتن وصیت نامه در این روز خوب نیست [illegible] صالح لکل طلب حاجة من لقاء السلطان وغیر ذلک و سفر در این روز خوب است

[illegible]

# الجدول الثالث العشرون فی ذکر اشیاء متفرقة یحتاج الیها فی کثیر من الاوقات

| | | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| [illegible] | ۱ | ۴ | [illegible] | ۲ | ۵ | [illegible] | ۳ | ۶ | وچون در روز بد شروع در شغلی یا سفری را مضطر ولا علاج باشی جمل از از شروع حمد و معوذتین و اخلاص و آیة الکرسی و آیات آل عمران وچون و بگو اللهم بک یصول تا آخر دعا [illegible] |
| | ۷ | ۱۰ | | ۸ | ۱۱ | | ۹ | ۱۲ | |
| | ۱۳ | ۱۶ | | ۱۴ | ۱۷ | | ۱۵ | ۱۸ | |
| | ۱۹ | ۲۲ | | ۳۰ | ۲۳ | | ۲۱ | ۲۴ | |
| | ۲۵ | ۲۸ | | ۲۶ | ۲۹ | | ۲۷ | ۳۰ | |
| | ۳۱ | ۱۴ | | ۳۲ | ۳۶ | | ۳۲ | ۳۶ | |

[illegible]

السنین
[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

الکسوف والخسوف
[illegible]

[illegible]

[illegible]



# بقیة الجدول الثالث العشرون فی ذکر اشیاء متفرقة یحتاج الیها فی کثیر من الاوقات

التاریخ
[illegible]

[illegible]

الساعة
[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

اول کل شهر
[illegible]

# الجدول الرابع والعشرون في معرفة خط القبلة من طول البلاد وعرضها وطوالعها وانحراف قبلتها واطول نهارها واقاليمها

خط نصف النهار: [illegible]

## الطول

| | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| سوس | ساری | طوس | غزنین | انطاکیه | کابل | حلوان | سبزوار | ری | هرات | همدان | بغداد | مدینه | جیلان | دیلم | قزوین | سلطانیه | قسم | حمص | آمل |
| ند ل | نج ا | ند ل | فد ک | عا کو | ظ دم | د ند | جا ل | مز ک | صد ک | نج ا | قب ا | عد ک | ند ک | ند ب | ند ا | د ند | ند م | ع ند | نج ک |
| خوارزم | مرو | نیشابور | خوی | مراغه | شوشتر | مداین | نصیبین | مشهد رضا | قابوس | شیراز | یزد | کاشان | دمشق | کوفه | فلسطین | سیرجان | موصل | سرخس | بلخ |
| سد ل | س ند | سه ند | عظ م | فد ل | ه ا | عه ا | ند ل | عه ا | خط ند | نج مد | نو ۸ | نج ۶ | عط ل | سو ل | صد ک | سد ند | صه ل | صه ل | ما ه |
| کرمان | شماخی | بادکوبه | ابرقو | خار | سمرقند | بخارا | جرجان | عانه | مکه | طالقان | عمان | نهاوند | تبریز | علانا | حلب | راس العین | رقه | دامغان | بسطام |
| عب ا | خد ل | ند ل | نج ل | لوی | صط ل | صود | صه ند | عول ب | عری | فدم | عد ک | نج ه | ف ه | سو ل | عد ک | عد ک | نج ند | نج ند | خط ل |

## العرض

| | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| سوس | آمل | ساری | طوس | غزنین | انطاکیه | کابل | حلوان | سبزوار | ری | هرات | سعدان | همدان | بغداد | مدینه | جیلان | دیلم | قزوین | سلطانیه | قسم |
| ل ند | لو ند | لو ند | لو ند | لج ند | له ل | له ند | له ند | لو لا | له ند | له ل | لد ک | لج که | لج حه | کا ند | لو له | لو له | لز نه | له ند | لو ند |
| حمص | مرو | نیشابور | خوی | مراغه | شوشتر | مداین | نصیبین | دهکده | مشهد رضا | قابوس | شیراز | یزد | کاشان | دمشق | کوفه | فلسطین | سیرجان | موصل | سرخس |
| له ند | لزم | لز کا | لزم | لز ک | لز ل | لج ک | ه ل | طی | له | فون | کط کو | لب ند | ل ۸ | لج ند | ه ل | ده | کط ۸ | لد ا | لو ند |
| بلخ | کرمان | شماخی | بادکوبه | ابرقوه | خار | سمرقند | بخارا | جرجان | عانه | مکه | طالقان | عمان | نهاوند | تبریز | علانا | حلب | راس العین | رقه | دامغان |
| لط ما | لر ک | م ه | لط ل | ند ند | له م | لط ل | لط ل | لون | له ند | کام | لز ی | ند ی | له ک | لج ند | له ند | له ند | لون | لو ند | لو ن |

## الطالع

| | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| سوس | حلوان | جیلان | شهر نیل | خوی | مشهد رضا | بلخ | عمان | دینور | اهواز | ساوه | قسطنطنیه | آمل | سبزوار | دیلم | مرو | مراغه | قابوس | کرمان | نهاوند |
| حمل | ثور | جوزا | سرطان | اسد | سنبله | میزان | عقرب | قوس | جدی | دلو | حوت | حمل | ثور | جوزا | سرطان | اسد | سنبله | میزان | عقرب |
| برت | خارستان | بردع | کنج کران | ساری | ری | قزوین | نیشابور | شوشتر | شیراز | شماخی | سعد علا | جرجان | حبشه | بحرین | سوس | هرات | سلطانیه | مرغانه | قبل طوس |
| قوس | جدی | دلو | حوت | حمل | ثور | جوزا | سرطان | اسد | سنبله | میزان | عقرب | قوس | جدی | دلو | حوت | حمل | ثور | جوزا | اسد |
| یزد | کاشان | حجاز | بابارس | بصره | واسط | غزنین | سعدان | قم | بیت المقدس | دجله | بادکوبه | ابرقوه | تبریز | راس العین | قبل آمل | طبرستان | بابل | همدان | بوسم |
| سنبله | میزان | عقرب | قوس | جدی | حوت | حمل | ثور | جوزا | سرطان | اسد | سنبله | میزان | عقرب | قوس | جدی | حوت | حمل | ثور | جوزا |

## انحراف القبلة

| | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| رمن | ارزنکان | حلب | رحبه | انطاکیه | ملطیه | مدینه | دمشق | طرابلس | مین | بابارس | اکره | دیلی | اردبیل | منصوره سند | لهاور | تهامه | هرموز | موتان | ختابالغ |
| طرف | ۸ | مو | یز | یط | ک | یح | یح | عط | جا ب | ند | خد | یح | یح | مه | عو | یح | عد | عد | ما |
| الجنوب | حمص | قنسرین | رومیه کبری | طرطوس | قسطنطنیه | صور | قرینه | عسقلان | الجوز | کشمیر | قلیف | لحسا | قندهار | ابت | تبت | سیستان | بدخشان | برسالغ | قراقرم |
| لا | خط | ل | لا | له | لو | لز | یح | عد | لا | سط | سط | یح | یح | سه | سه | سب | سب | سا | سا |
| غاب | بیت المقدس | سکندریه | مصر | تومو | مغرب طرابلس | قرطبه | قیروان | تاهرت | مغرب | بحرین | بلخ | ختن | کرمان | فاریاب | کاشغر | مرو | هرات | شیراز | کش |
| بهمن | مز | یح | نط | عو | عو | عن | کا | فر | رحمه | س | نط | یح | یح | نو | ند | نب | فا | نا | ن |

## [illegible]

| | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| سوس | آمل | ساری | طوس | غزنین | هرمل | کابل | سبزوار | هرات | همدان | بغداد | جیلان | دیلم | قزوین | سلطانیه | قسم | حمص | خوارزم | رومیه | شهر نیل |
| عطارد | مشتری | مشتری | مشتری | مشتری | عطارد | مشتری | مشتری | مشتری | مشتری | عطارد | مشتری | مشتری | مشتری | مشتری | زحل | مشتری | زهره | زهره | عطارد |
| مرو | نیشابور | فرغانه | بیت المقدس | قزوین | خوی | مراغه | شوشتر | قبل طوس | دجله | مداین | نصیبین | دهکده | مشهد رضا | قابوس | شیراز | یزد | کاشان | فرشهام | دمشق |
| مشتری | مشتری | زهره | عطارد | مشتری | مشتری | مشتری | عطارد | مشتری | عطارد | عطارد | زحل | زحل | مشتری | مشتری | عطارد | عطارد | مشتری | مشتری | عطارد |
| مدینه | کوفه | فلسطین | ابیورد | سیرجان | موصل | سرخس | بلخ | کرمان | شماخی | بادکوبه | ابرقوه | ابهر | خار | سمرقند | بخارا | جرجان | تکریت | طرطوس | الملطیه |
| عطارد | عطارد | عطارد | عطارد | عطارد | مشتری | مشتری | مشتری | عطارد | زهره | زهره | عطارد | عطارد | مشتری | مشتری | زهره | زهره | مشتری | مشتری | مشتری |

## اطول الايام

| | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| آذربایجان | سوس | آمل | ساری | طوس | غزنین | انطاکیه | کابل | حلوان | سبزوار | ری | هرات | همدان | بغداد | مدینه | جیلان | دیلم | قزوین | سلطانیه | قسم |
| یدلز | مدید | مدیح | مدیح | مدید | مدکد | مدکا | مدلو | مد | مدکا | مدکد | مدکد | ید ل | مدیح | مدیح | مدیح | مدیح | مده | مدیح | مدکه |
| بوسم | حمص | خوارزم | رومیه | شهر نیل | مرو | نیشابور | فرغانه | بیت المقدس | فراس | خوی | مراغه | شوشتر | مداین | نصیبین | مشهد رضا | شیراز | یزد | کاشان | دمشق |
| ید یح | ید لو | مده | ید د | یح یح | مد لز | مد کط | مد و | مد یح | ید یح ل | مد لز | مد ید | ید ل | مدحان | ید ند | مدیح لو | مدیح ند | ید د | یب | ند |
| کوفه | فلسطین | سیرجان | موصل | سرخس | بلخ | کرمان | شماخی | بادکوبه | ابرقو | ابهر | خوار | سمرقند | بخارا | جرجان | طرطوس | قابوس | تکریت | دهکده | المصیصه |
| ید ۸ ل | مد نه | ۸ نا | ید یح ل | مد یح ل | مد ه و | یح و | مد و | مد یح | سم | مد لا | مد ک | مد یح ز | مدن | مد ل | مد ل | مد ل | مد یح | س زل | ید لا |

## الاقاليم

| | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| حبشه | مکه | بغداد | طنجه | خوخو | فرنک | ارض شعابه | عمان | مدینه | قیروان | طرطوس | تبت | اندلس | یاجوج ماجوج | زنجبار | مصر صعید | طرابس | حمص | سوبطر | ماسه |
| خط استوا | ۲ | ۳ | ۴ | ۵ | ۶ | ۷ | اول ا | ۳ | ۳ | ۴ | ۵ | ۶ | ۷ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ | ۵ | ۶ |
| سد سکندر | نوبه | قسع | اسکندریه | حلب | خوارزم | فاریاب | قوم فرنک | حضرموت | طایف | قدس خلیل | موصل | بلخ | طراز | کفه | عدن | غانه | دمشق | خوی | بخارا |
| ۷ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ | ۵ | ۶ | ۷ | ۱ | ۲ | هو قبل ۴ | ۴ | ۳ قبل | ۶ | ۷ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ | ۵ |
| کاشغر | ترکستان | نصیبین | هرموز | بعلبک | تبریز | سمرقند | قراقرم | بلغار | سراندیب | بحرین | بصره | گنجه | ماوراء النهر | سر بالغ | سیلان | کیمیات | عراق عرب | اردبیل | شیروانات |
| داخل ۷ | ۷ | خط استوا | ۲ | ۳ | ۴ | ۵ | ۶ | ۷ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ | ۵ | ۶ | ۱ | ۲ | ۳ | ۴ | ۵ |

[illegible]: [illegible]



# بقية الجدول الرابع والعشرين في معرفة القبلة من بقايا طول البلاد وعرضها وطوالعها وانحراف قبلتها واطول نهارها واقاليمها وابعاد الاجرام

[illegible]: [illegible]

## بقية الطول

| | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| مرزبان | اصفهان | بابارس | اهواز | حبشه | بصره | فوفز | سوادکوه | ساوه | بروع | قسطنطنیه | بحرین | واسط | طبرستان | طبریه | ترشیز | طبس | تون | قاین | بدخشان |
| مطل | نوم | فدک | نه ند | سه ا | فد ا | حط ه | عط ل | نه ا | ۸ ند | بط ه | یح ند | نا ل | یح ک | خط ند | صد ند | صد ند | صد ند | یح ک | ند ند |
| مجند | کاشغر | ختن | هرموز | اردبیل | حمص | سیستان | میمند | بنجوار کابل | مکران | کنج مکران | منصوره سند | مولتان | قندهار | لهادر | کشمیر | بیت المقدس | ارزن الروم | نخجوان | سرزمین رای |
| خب له | فول | فرفد | صه ند | صدج | صج نا | صدنا | فانه | خدم | صح ند | صط ند | نه ند | فرله | فوم | ضماک | یح ا | سد | عو ند | ناله | عط ما |
| اصطخر | کرمانشاه | جلفاد | استراباد | الموت | سمنان | دلیجان | ارض المغرب | سراب | شهر نیل | فرغانه | فرناس | دهکده | رومیه | دجله | تکریت | ابهر | طرطوس | دینور | بهبهان |
| نج ل | یح ند | ند ل | خط ند | ند ز | یح ند | ند ن | ند ند | ند ک | یح ک | ا ک | نج ند | ند | خد ند | صد ند | یح ک | خد ل | ۸ م | فال | یح ه |

## بقية العرض

| | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| بسطام | مرزبان | اصفهان | بابارس | اهواز | حبشه | بصره | فوفز | سوادکوه | ساوه | بروع | قسطنطنیه | بحرین | واسط | طبرستان | طبریه | ترشیز | طبس | تون | قاین |
| لز ی | لو ی | له ند | لز ند | د ند | طل | ل ۸ | لد ند | دل | دل | ج ل | ند ند | که ند | لز ک | لو ی | لز ک | لد ا | یح | لد ل | لج م |
| بدخشان | مجند | کاشغر | ختن | هرموز | اردبیل | طبیص | سیستان | میمند | بنجوار کابل | مکران | کنج مکران | منصوره سند | مولتان | قندهار | لهادر | کشمیر | بیت المقدس | ارزن الروم | نخجوان |
| لو ی | حا ند | ند ند | م ند | که ند | لج ل | د ۸ | لد ل | لج ند | لد ک | کوه | یح ند | دم | الطم | لج ط | ده | لد ند | لان | لطم | لج ند |
| سرزمین | اصطخر | کرمانشاه | جلفاد | استراباد | الموت | سمنان | دلیجان | ارض المغرب | سراب | شهر نیل | فرغانه | فرناس | رومیه | دجله | تکریت | ابهر | طرطوس | دینور | خوارزم |
| له ند | ل ند | لد ل | له له | لون | لوکا | لزند | لدله | لبید | لول | لد ک | ند که | لد ل | ماه | لج هو | لد ل | لو ند | لزمی | لد نط | [illegible] |

## بقية الطالع

| | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| فرامین | مداین | قراقلم | ابهر | فاریاب | رقه | قبل ساری | طبریه | انطاکیه | بغداد | طبیص | نصیبین | دمشق | خوار | ارض مغرب | لجو | توس | ترشیز | کابل | مدینه |
| سرطان | اسد | سنبله | میزان | عقرب | قوس | جدی | حوت | جوزا | سنبله | میزان | اسد | سنبله | میزان | عقرب | قوس | جدی | حوت | حمل | ثور |
| حران | دهکده | مدینه ختا | سمرقند | فاسدان | سپاهان | سوادکوه | طبس | خوارزم | کوفه | بخارا | انطاکیس | دامغان | تون | رومیه | فلسطین | جرجان | علانا | بسطام | قاین |
| جوزا | اسد | سنبله | میزان | عقرب | قوس | جدی | حوت | جوزا | سنبله | میزان | عقرب | قوس | حوت | جوزا | سنبله | میزان | عقرب | قوس | حوت |
| سیرجان | طرطوس | حلب | مرزبان | بدخشان | موصل | عانه | اصفهان | مجند | سرخس | مکه | ابیورد | کاشغر | طالقان | قهستان | ختن | اردبیل | هرموز | قندهار | کشمیر |
| سنبله | میزان | عقرب | قوس | حوت | سنبله | میزان | قوس | حوت | سنبله | میزان | قوس | حوت | میزان | قوس | حوت | حوت | حوت | حوت | حوت |

## بقية انحراف القبلة

| | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| سمرقند | بخارا | مجند | تون | ترشیز | سرخس | ساکب | البالغ | نیشابور | طوس | سبزوار | طراز | یزد | تفلیس | مراغه | منب | طبرستان | سوس | منب | دارالسلام |
| مط | مط | یح | یح | یح | مز | مو | مو | مد | یح | عب | مب | مب | لو | ند | جاز | خد | ند | جاز | فا |
| رامهرمز | اصفهان | دامغان | سمنان | خوارزم | استراباد | بصره | کاشان | قسم | شوشتر | ری | ساری | ساوه | بغداد | نخجوان | زنجان | جرجان | نوبه | ری | سومنات |
| م | نط | یح | لز | لز | لو | لو | له | لب | لب | لا | لا | یح | یح | س | کا | ع | سد | کل | فا |
| قزوین | ابهر | شهرزور | کوبا | لاهیجان | همدان | شماخی | بادکوبه | بلغار | دربند | بروع | اردبیل | تبریز | کوفه | سرزمین | بلخ | رسدس | صعر | پنج | سرندیب |
| کن | که | کد | کعد | یح | شه | ک | ک | مط | یح | و | ب | ذ | ب | د | کب | [illegible] | صف | [illegible] | سو |

## [illegible]

| | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| عانه | مکه | طالقان | بجستان | عمان | نهاوند | تبریز | ارض مغرب | علانا | حلب | ترمت | دینور | سجار | راس العین | رقه | لجور | بهبهان | دامغان | بسطام | مرزبان |
| مشتری | مشتری | مشتری | زحل | مشتری | مشتری | عطارد | عطارد | عطارد | مشتری | مشتری | مشتری | مشتری | مشتری | مشتری | مشتری | مشتری | مشتری | مشتری | مشتری |
| سنجار | همدان | اصفهان | بابارس | سهرات اصغر | اهواز | بصره | قبل آمل | توس | سودوه | ساوه | بروع | قسطنطنیه | واسط | طبرستان | طبریه | قبل ساری | ترشیز | طبس | تون |
| مشتری | مشتری | عطارد | عطارد | زحل | عطارد | عطارد | مشتری | مشتری | مشتری | مشتری | زهره | مریخ | عطارد | مشتری | مشتری | مشتری | عطارد | عطارد | مشتری |
| قاین | بدخشان | مجند | کاشغر | ختن | اردبیل | طبیص | سیستان | میمند | بنجوار کابل | مکران | کنج مکران | منصوره | مولتان | قندهار | لهادر | کشمیر | ۱ | ۱ | ۱ |
| عطارد | مشتری | زهره | مریخ | زهره | عطارد | عطارد | عطارد | مشتری | مشتری | عطارد | عطارد | عطارد | عطارد | عطارد | عطارد | عطارد | | | |

## بقية اطول الايام

| | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| مکه | عانه | طالقان | عمان | نهاوند | تبریز | ارض مغرب | علانا | طلب | دینور | راس العین | رقه | لجو | بهبهان | دامغان | بسطام | مرزبان | حلوان | اصفهان | مدینه بابارس |
| یح له | مد و | مد یح | مدم | مد نم | مد لط | مد و | مد وه | مد کو | مد کا | مد ل | مد | مد کط | مد | مد کط | مد یح | مد یح | مد یح | ملح | یح ما |
| سهراب | اهواز | حبشه | بصره | قبل آمل | قبل ساری | توس | سوادکوه | ساوه | بروع | قسطنطنیه | بحرین | واسط | طبرستان | طبریه | ترشیز | طبس | تون | قاین | بدخشان |
| ند | مدا | سح ل | یح نو | مد یح ل | مد ل | مد کعد | مد یح ل | مد کا | مدو | مدکه | یح له | مدم | مد یح ل | مد یح | مد کا | مد ما | مدیح ل | معجم | مد لدم |
| مجند | کاشغر | ختن | هرموز | اردبیل | طبیص | سیستان | میمند | بنجوار کابل | مکران | کنج مکران | منصوره سند | مولتان | قندهار | لهادر | کشمیر | سجال | سجستان | سنجی | قبل طوس |
| ید ۸ ل | مد یح | مد ر | ۸ لج | یح نط | مرا | مد یح ل | مدسم | مد کا | م لط | ده مز | یح ده | یح ده | مدمو | مدکا | مد دا | مد م | مد ل | مد ل | ۲ یح |

## الاقاليم

| | | | | | | | | | | | | | | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|---|
| خانبالغ | خاکوحین | قنوج هند | کلغار | قم کوشان | قیساریه | قسطنطنیه | حلزون وامین | منصوره سند | حلوان | قزوین | قونیه | بحری چین | اصفهان | جیلان | عموریه | ماچین | یزد | ری | انکوریه |
| ۶ | اقلیم اول | ۲ | ۳ | ۴ | ۵ | ۶ | | ۴ | ۴ | ۵ | ۲ | ۳ | ۳ | ۴ | ۵ | ۳ | ۳ | ۴ | ۵ |
| بابارس | کرمان | طبرستان | رومیه | قصبه کرکان | قندهار | تاتار خراسان | سوس | کنج مکران | بدخشان | بروع | ارض مغرب | کشمیر | فرغانه | شهر نیل | لاهور | بادکوبه | زابل | خاوجین | مجند |
| ۲ | ۳ | ۴ | ۵ | ۲ | ۳ | ۴ | ۵ | ۳ | ۴ | ۵ | ۳ | ۴ | ۵ | ۳ | ۴ | ۵ | ۳ قبل | ۴ قبل | ۵ |
| لهاور | کاخط کابل | میمند | طبریه | سوس | بابل | فلسطین | طالقان | عانه | همدان | موتان | کابل | غزنین | تکریت | شوشتر | مرو | اکره | دهلی | جرجان | هرات |
| ۳ | ۴ | ۳ | ۴ | ۳ | ۴ | ۳ | ۴ | ۳ | ۴ | ۳ | ۴ | ۳ | ۴ | ۳ | ۴ | ۳ | ۴ | ۳ | ۴ |

ابعاد الاجرام: [illegible]

## بقية الجدول الخامس العشرين في معرفة المسافة بين البلاد المشهورة بالخط المستقيم علامة الخاء الفراسخ واللام المنازل علامة



## الجدول الخامس العشرون في معرفة المسافات بين البلاد المشهورة بالخط المستقيم علامة اللام المنازل والخاء علامة الفراسخ

## الجدول السادس والعشرون في الأدعية والأدوية التي تزيل علل الأعضاء في السفر وغيره وجاوامراض

[illegible]

بسم الله الرحمن الرحيم وما قدروا الله حق قدره إذ قالوا ما أنزل الله على بشر من شيء قل
من أنزل الكتاب الذي جاء به موسى نورا وهدى للناس تجعلونه قراطيس تبدونها و
تخفون كثيرا وعلمتم ما لم تعلموا أنتم ولا آباؤكم قل الله ثم ذرهم في خوضهم يلعبون
بسم الله مجريها ومرسيها إن ربي لغفور رحيم

[illegible]



## بقية الجدول السادس والعشرين في أدوية مصححة سريعة الأثر لعلل الأعضاء التي تجد في السفر غالبا

[illegible]

هر عشا یکدرهم را آب گرم تناول نمایند نوعی
دیگر عسل ده درهم واصل السوس ده درهم
زوفا وانجیر وحب الصنوبر واصل سوس را با عسل

آزاریست که در جوف بهم رسد از ضعف لعوق معده و سوء مزاج صندل و کافور
و آب شاهتوج که ریحانست بر شکم و حوالی آن طلا کنند و قرص کنند و بکار برند
جهت زحیر حب از شایک مثقال کمون کرمانی داخل کنند و نرم بخته خمیر سازند و آنرا
بروغن گاوی کهنه بجوشند و اگر بر زحیر بکار برند با شیر دما درس بخ برند

[illegible]

انجدان و حب رمان از هر یک قدری بر داشته طبخ د
آب آنرا گرفته بقدر نصف رطل و یکوقیه مری
در آن ریخته صاف کنند و بیاشامند

شلغم و سم گوسفند را بسوزانند و نرم کوبیده بیزند و قدری جفت و جلنار که زاج سفید است
و حضض و گل سرخ و طین و قشور رمان و آس از هر یک جزوی برداشته باندک آبی طبخ نمایند
تا دو ثلث آب برود و طفل را که مقعدش از دبرش بیرون آید در آن آب نشانند پس اگر بار
دیگر بیرون آید برگشند مقعد او را از آن ادویه و باز با آن آب بنشانند خلاص شود و اگر کامش
بحلق فرود آید غرغره سرکه کند دفع شود و اگر دمای که در میان با قلات بکوبند و سرکه داخل کنند و جلق

[illegible]

# الجدول السابع و العشرون فی معرفة اختلاجات الاعضاء من قول الصادق و دانیال النبی

| | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|
| [illegible] | مراد جستن مقدم سر است و دلالت کند بر رسیدن شادی و خرمی ... تازه شدن دوستی با کسی ... و بقول ... دال است بر عزت و بزرگی و بقول حکما حکومت | [illegible] | دلیل است بر توسعه رزق و آسانی معیشت و یا شرف و بلندی ... یا فتن از سفر و بقول حکمای فرس و حکمای روم گویند که مطلب امر بزرگ خواهد رفت و الله العالم | [illegible] | مراد کله سر است از پشت ... سوای ... دامنان جستن آن دلالت کند با نکه اندک فکری خواهد و یا آزاری ... و نجات خواهد یافت ... مشقت به دست او آید | پشیمانیست جستن آن ... یا رسیدن شرف و بزرگی و عزت ... مرتبت نزد سلطان و یا شادی ... روی کند بعضی گویند که حکومت یابد |
| [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] |
| [illegible] | نشانه ظفر است و یا خبری شود که از آن دلگیر شود و اسکندر گوید تنگی روی کند و بدو رفع شود و یا غمی یابد بعد از تنگدستی و زرد حکمای روم نشان خرمیت بعد از ترس | [illegible] | از شنیدن خبری یا واقع شدن آن شاد گردد و یا غایب او در رسد یا توسعه معیشت یابد بعد از تنگدستی و حکمای روم گویند خرمی یابد بعد از غم و ایمنی یابد بعد از خوف بسیار | [illegible] | جستن میان دو ابرو ... نشان ... زدن عمل ... شنیدن حرفی که از آن خشم آید بعضی گویند مکروهی یابد و حکمای روم گویند یا و برسد خبری که از و ترسناک باشد | دلیل است بر شادی و چشم روشنی و یا خرمی و صحت و بقول اسکندر خیر یابد و بقول حکما بهره عظیم از مال و نیکنامی و خیر بسیار است |
| [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] |
| [illegible] | اندوه است علامت آمدن غایب یا مذکور شدن نیکنامی یا صحت ... مرض یا بیرون آمدن از دوستی ... سعادت و از جهت خوشحالی و شفا از مرض یا دفع غم ... شدن یا ... | [illegible] | مراد تمامی چشم است ... راست ... بعد از مرض یا برطرف شدن ... بلند شدن مرتبه ... شدن ... برطرف گردیدن ... یا بشارت یا سلامتی ... | [illegible] | جستن است طرف پی ... دلالت کند بر ... یا رسیدن خبری که از آن شاد گردد ... شدن ... مشغول آن گردد و یا ... واقف شدن ... نباشد و یا ... برطرف دشمنان | دال است بر دیدن ... از آن ... یا رسیدن ... که دوست داشته باشد و یا یافتن سعادت تازه و یا ظفر بر دشمنان یا صرفه یافتن از حصول چیزی که در آرزوی آن باشد |
| [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] |
| [illegible] | اندوه است نشانه خوشحالی از اولاد مولود ... یا داد ... تازه ... بعضی از خویشان ... خاطر ... دلشاد شدن از رسیدن چیزی ... چشم ... روشن گردد | [illegible] | برجا از زبان که بجهد ... دشواریست و یا وقوع امر خطرناک ... چیزیست که از آن غمگین شود و عاقبت بفرح انجامد و یا غایبی در رسد که باعث کلفت خاطر او باشد | [illegible] | مراد جستن مجموع دهن است دلالت کند بر معانقه کردن با غایبی که مطلوب او باشد و یا دیدن چیزی که موجب خوشحالی باشد و نزد حکما دلیلست بر سفر کردن ... و یا رسیدن بجاه و منزلت عالی | ... علامت برطرف شدن علت و حاصل شدن عافیت است بعد از مرض و ... علامت شادمانیت و نزد حکما ... نشیدن ... یا بیماری اندکیست |
| [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] |
| [illegible] | پس دوش است یعنی شانه اختلاج آن دلیل تازه شدن ... خیر است و یا پوشیدن جامه نو و اسکندر گوید ... زیادتی در متاع او ... و بقول بعضی از روز بازی اختلاط کند | [illegible] | دولت ... خرمی و فرح و یا صرفه بردن از چیزی که امیدوار باشد و بعضی گویند علامت تازه شدن خوشحالی باشد بوصول مطلب اعظم | [illegible] | مراد مجموع بازو است از سر دوش تا مرفق جستن هر عضوی از آن دلیل بیماری و شفا و بقولی رسیدن درد و اندک علتی و برطرف شدن آن و یا رسیدن اندک دردی که دوا نداشته باشد | علامت خوشحالی و جمعیت است یا اختلاط نافع و یا خرمی ... و یا دیدن ... از کسی ... دوست و نزد حکمای روم وقوع شرکتی است ... |



# بقیة الجدول السابع و العشرین فی معرفة بقیة الاختلاجات من قول الصادق و دانیال النبی علیهما السلام

| | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|
| [illegible] | مراد طبقهای عظم است از عضد و ساعد اختلاج آن دلیل ... بیماری و شفا از مرض ... و یا نجات ... و نزد بعضی ... دشمنان ... استیجاب ... و ظفر بر دشمنان غالب گردد و دشمن خجل شود | [illegible] | دلیلست بر تعجیل خبر و رسیدن خرمی و چشم روشنی و یا خوشحالی بسبب حصول مقصود و یا ... حکمای روم رتبه اش بلند شود و بزرگ خلایق گردد | [illegible] | ساعد ... بند دست تا مرفق جستن هر عضوی از آن دلیل است بر زیاد کردن منکوحات و بقول صادق علیه السلام نکاح تازه است و بقولی خوشحالی و فراش و جمع شدن با محبوبان و دیدن خویش | علامت رسیدن رزق بسیار است و یا خوشحالیهای تازه و شفا ... و نزد حکما پدید شدن بلندی بسیار میان مردم و تفوق بر همگنان است |
| [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] |
| [illegible] | در هر یک از انامل ... اختلاج آن علامت گفته شدن سخنان ... در حق او اسکندر گوید ... افتاد بسبب خبری که از او صادر گردد | [illegible] | علامت آنست که در حق او خواهند گفت سخنانیکه مکروه او باشد و یا فاش گردد سخنانیکه در حق او گفته باشند و بعضی گویند نسبت داده شود باو افعالی که بد باشد | [illegible] | نشانه رسیدن رزق ... بسیار و یا ظاهر شدن دشمنی است و بقول بعضی از حکما عزت میان خلق عالم و شهرت کردن بنیکی و نیکنامی | علامت ظفر یافتن است بر دشمن دیرینه و بقول حکما صلح است بعد از جنگ و شادیست بعد از غم |
| [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] |
| [illegible] | مفروش ... یعنی ... جستن آن از هر طرف دال بر شادمانی و خرمی و بهره یافتن از زر و سیم و غیره از هر چه اراده نماید | [illegible] | خرم شدنست از آمدن غایبی از طرف چپ کار مکروه است و از راست اندکی غمی که زود برطرف شود و در پستان راست رسیدن مکروه ... پستان ... و از چپ دولت عظیم که در آرزوی آن باشد | [illegible] | قوت یافتن است از مال بسیار و خرمی بسبب ... و نیکنامی و اگر در کمر بند باشد دلیل است بر برطرف گردیدن محنت و بهره بردن از مال و نکاح تازه بزن جمیله | ناف جستن آن نشان بسیار شدن عیال است و یا رسیدن ... حرام است و نزد بعضی علامت زیاد شدن اولاد و حشمت است |
| [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] |
| [illegible] | ران راست جستن آن نشان مذکور شدن ... و نیکی و ... برخوبی و نیکی که هر چه بگوید ... و از سخن او ... | [illegible] | دلالت کند بر اینکه اندک غمی او را عارض شود و یا برطرف شدن هم و فکری باشد غایبی هم بوی رسد از جایی که گمان نداشته باشد | [illegible] | دلیل است بر خوشحال شدن بسبب خبری که آن را تعب داشته باشد و یا فرح و مطلق خرمیت و یا صرفه تازه بسبب ... خبری و کفایت شدن شر دشمن است | نشان سروری یافتن است ... زر و سیم دنیا و متاع آن و رسیدن بهره بزرگ از دل ... ملک و ... |
| [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] |
| [illegible] | مراد مجموع باطن پا است خواه اجزای آن که بر زمین رسد در راه رفتن یا بر سر جستن آن از راست و یا دادن اندک بهمی از چپ نشانه سعی و غنیمت است | [illegible] | در انگشت میان پای راست آمدن غایب و در چپ رسیدن ... در پای ... اندک ... و از چپ ... حضرت و ... و خوشحالی ... راست خوشحالی و از چپ دو ... | [illegible] | در هر یک از ناخنهای پای راست رود ... و در ناخنهای پای چپ هر یک خرمی و خوشحالی و رسیدن بکام و دست دادن سعادت | عضوی که اختلاج ... باشد ... اللهم لا طیر الا طیرک و لا خیر الا خیرک و لا اله غیرک ... اعتصمت بک ... فی نفسی ... |

# الجدول الثامن والعشرون فی ادعیة علل الاعضاء و صلواتها المنقولة عن الائمة علیهم السلام

[illegible]



# بقیة الجدول الثامن والعشرین فی ادعیة علل الاعضاء المنقولة عن الائمة علیهم السلام

[illegible]

# الجدول التاسع و العشرون فی ادعیة متفرقة مرویة عن الائمة المعصومین علیهم السلام



# بقیة الجدول التاسع العشرین فی ذکر الصلوات المرویة عن الائمة علیهم السلام

# الجدول الثلثون فی ذکر سلاطین الارض و طوایف الامم و مدة سلطنتهم من لدن آدم

| | |
|---|---|
| اولاد آدم | [illegible] |
| ملوک [illegible] | [illegible] |
| ملوک کلدانیین | [illegible] |
| ملوک القبطیه | [illegible] |
| ملوک الیونانیین | [illegible] |
| ملوک بنی اسرائیل | [illegible] |
| ملوک الفرس عجم | [illegible] |
| ملوک [illegible] | [illegible] |
| ملوک [illegible] | [illegible] |



# بقیة الجدول الثلثین فی ذکر سلاطین الارض و طوایف الامم و مدة سلطنتهم من لدن آدم

| | |
|---|---|
| ملوک [illegible] | [illegible] |
| ملوک الکیانیه | [illegible] |
| ملوک الاشکانیه | [illegible] |
| ملوک الاکاسره | [illegible] |
| ملوک العرب | [illegible] |
| ملوک السلاجقه | [illegible] |
| ملوک الاتابکیه | [illegible] |
| ملوک الجنگیزیه | [illegible] |
| آل عثمان | [illegible] |

# الجدول الحادی والثلثون فی ذکر تواریخ الخلفاء من بنی امیة و العباسیة الغاصبین حقوق الائمة

**معویه** — [illegible]

**یزید** — پدرش معویه علیه الهاویة و مادرش میسون بنت بحدل کلابیه و تولدش در سنه خمس و عشرین از هجرت بلند آواز و سیاه چرده و آبله رو بود و بر جبین علامت زخمی داشت [illegible] سال و هشت ماه بعد از پدر ملعونش حکومت کرد و بعد از قتل امام [illegible] مرضی سخت بهم رسانید [illegible] ربیع الاول [illegible]

**معویة بن یزید** — [illegible]

**مروان** — [illegible]

**عبد الملک** — [illegible]

**الولید** — [illegible]

**سلیمان** — پسر دیگر عبدالملک است که در روز فوت ولید در رمله بوی بیعت کردند طول القامه جمیل الوجه فصیح اللسان و صاحب عجب بود و از خون ناحق احتراز مینمود و گویند که روزی بقصد رطل طعام میخورد و فوتش در دابق از ارض قنسرین در جمعه بیستم صفر سنه تسع و تسعین و مدت خلافتش دو سال و هشت ماه و عمرش چهل و پنج سال بود

**عمر بن عبد العزیز** — [illegible]

**یزید** — [illegible]

**هشام** — پسر عبدالملک است که عبدالملک وصیت کرده بود سلیمان پسر خود را که ولایت عهد را بوی دهد [illegible] سلیمان [illegible] بوی نداد آخر بعد از برادرش یزید خلافت بوی منتقل گشت [illegible] احول منقلب العینین جمیل الوجه و موهایش [illegible] بسواد مینمود فوتش در رصافه در ششم ربیع الاول سنه خمس و عشرین و [illegible] بروی نماز کرد و مدت خلافتش نوزده سال و هفت ماه و یازده روز و عمرش پنجاه و سه سال و بقولی پنجاه و چهار سال و چند ماه بود

**الولید بن یزید** — [illegible]

**یزید بن الولید** — [illegible]

**مروان الحمار** — [illegible]

**ابو العباس السفاح** — [illegible]

**المنصور** — عبدالله محمد بن علی مکنی بابو جعفر تولدش در سنه خمس و تسعین و در عهد برادر ولایت بروی مفوض شد و کنیت دیگرش ابوالدوانیق [illegible] فوتش در ششم ذیحجه سنه ثمان و خمسین و مائه [illegible] و مدت خلافتش بیست و یکسال و نه ماه و یازده روز [illegible] او بنا کرد و مسمی بدار السلام نمود و چندین [illegible] بقتل [illegible]

**المهدی** — [illegible]

**الهادی** — [illegible]

**الرشید** — مسمی بهرون مکنی بابی جعفر پسر دیگر مهدی است که بعد از فوت هادی برادرش متصدی خلافت شد تا در طوس وفات یافت در ربیع یا جمادی الآخره سنه ثلث و تسعین [illegible] و ماه و مدت ولایتش بیست و سه سال و یکماه و شانزده روز تولدش در سنه خمسین و مائه [illegible] و ماه یک سال حج و یک سال غزا مینمود

**الامین** — [illegible]

**المامون** — [illegible]

**المعتصم** — [illegible]

**الواثق بالله** — [illegible]

**المتوکل علی الله** — جعفر بن معتصم مکنی بابی الفضل بعد از فوت الواثق بالله برادر خود بخلافت نصب شد چهارده سال و نه ماه و ده یوم حکومت کرد و آخر در سر من رأی بشب چهارشنبه چهارم شوال سنه سبع و اربعین و مائتین کشته شد مولدش سنه ست و مائتین بود

**المنتصر بالله** — [illegible]



# بقیة الجدول الحادی والثلاثین فی ذکر تواریخ بقایا الخلفاء الامویة والعباسیة الغاصبین حقوق الائمة

**المستعین بالله** — احمد بن المعتصم است عم منتصر که بعد از فوت منتصر برادرزاده خود بخلافت قیام نمود در محرم سنه اثنتین و خمسین و مائتین وی را خلع نمودند و مدت خلافت او سه سال و نه ماه و در شوال همان سال بقولی کشته شد مولدش سنه ثمان و عشرین و مائتین

**المعتز بالله** — [illegible]

**المهتدی بالله** — محمد بن الواثق بن المعتصم است و بعد از معتز ابن عم خود بخلافت قیام نمود موصوف بزهد و ورع بود دستور عمر بن عبدالعزیز راه میرفت تا هنگام موت [illegible] رجب سنه خمسین و مائتین [illegible] یازده ماه و هفده روز مولدش سنه ثمان و تسع و عشرین و مائتین بود

**المعتمد علی الله** — [illegible]

**المعتضد بالله** — [illegible]

**المکتفی بالله** — ابو محمد علی بن معتضد است که بعد از پدر خود [illegible] بخلافت نصب شد [illegible] مولدش سنه خمس و ستین و مائتین مدت خلافتش شش سال و شش ماه و بقولی پنج سال و [illegible] ماه بود بعد از فوت او برادرش مقتدر نصب شد

**المقتدر بالله** — [illegible]

**الراضی بالله** — ابو العباس محمد بن جعفر المقتدر است که بعد از خلع قاهر عم خود خلافت بوی رسید تا روز فوتش که شانزدهم ربیع الاول سنه تسع و عشرین و ثلثمائه [illegible] مدت امارتش شش سال و دو ماه و ده روز مولدش در رجب سنه تسع و تسعین و مائتین [illegible]

**القاهر بالله** — [illegible]

**المتقی لله** — [illegible]

**المستکفی بالله** — اول ابوالقاسم عبدالله بن المکتفی بن معتضد است که بعد از خلع متقی پسر عم خود منصوب [illegible] تا هنگامیکه او نیز خلع و نابینا کردند در حبس [illegible] دوم جمادی الآخره [illegible] مولدش سنه اثنتین و تسعین و مائتین و ثانی ابوالفضل بن المقتدر است که [illegible]

**المطیع لله** — [illegible]

**الطائع لله** — [illegible]

**القادر بالله** — [illegible]

**القائم بامر الله** — [illegible]

**المقتدی بامر الله** — [illegible]

**المستظهر بالله** — مکنی بابی العباس احمد بن المقتدی بامر الله که بعد از پدر خود متولی امر خلافت شد [illegible] تا هنگام فوتش که لیلة الاحد سابع و عشرین ربیع الآخر سنه اثنی عشره و خمسمائه و مدت خلافتش بیست و پنج سال و چند ماه و مولدش سنه ثمان و ستین و اربع مائه بود و در ایام عمرش که چهل و چهار سال [illegible] فیض بسیار بمردم رسانید رعیت پرور بود و مساکین و اهل زمانه از جور وی در رفاه بودند

**المسترشد بالله** — [illegible]

**الراشد بالله** — ابو جعفر منصور بن المسترشد است که دوشنبه [illegible] عشرین ذیقعده سنه تسع و عشرین و خمسمائه بخلافت رسید و در شنبه خامس عشر ذیقعده سنه ثلثین و خمسمائه خلع [illegible]

**المقتفی لامر الله** — [illegible]

**المستنجد بالله** — یوسف بن المقتفی مکنی بابو المظفر بعد از فوت پدر خلافت یافت تا آنکه فوت شد در بغداد یوم هشتم شهر ربیع الاول سنه ست و ستین و خمسمائه [illegible]

**الناصر لدین الله** — [illegible]

**الظاهر بامر الله** — [illegible]

**المستضیء بامر الله** — ابو محمد حسن بن المستنجد است که بعد از فوت پدر قبل از ناصر لدین الله بخلافت نصب شد در یوم الاحد عاشر ربیع الآخر سنه ست و ستین و خمسمائه و وفاتش در ثانی ذیقعده سنه خمس و سبعین و خمسمائه از هجرت بود مدت سلطنتش نه سال بود

**المستنصر بالله** — [illegible]

**المستعصم بالله** — ابو احمد عبدالله المستعصم مردی بود ضعیف الرای بعد از مستنصر خلافتش استقرار [illegible] تا سنه ست و خمسین و ستمائه بعد از آنکه هلاکو بغداد گرفت بدست هلاکو کشته گشت و دولت بنی عباس [illegible] در بیستم محرم همان سال

# الجدول الثاني والثلثون في ذكر الملائكة العلويين والسفليين وحصر المذاهب والملل

| | |
|---|---|
| الملائكة | [illegible] |
| الروحانيون | [illegible] |
| قبيل الأرض | [illegible] |
| أنواع الإنس | [illegible] |
| الأبالسة | [illegible] |
| كل أصناف الكفر | [illegible] |
| اليهود | [illegible] |
| النصارى | [illegible] |
| المجوس | [illegible] |



# بقية الجدول الثاني والثلاثين في ذكر حصر المذاهب والأديان فيما بين الآدميين وغيرهم

| | |
|---|---|
| الفلاسفة | [illegible] |
| الصفاتية | [illegible] |
| الصابئين | [illegible] |
| المعتزلة | [illegible] |
| الجبرية | [illegible] |
| الخوارج | [illegible] |
| الغلات | [illegible] |
| الزيدية | [illegible] |
| الإمامية | [illegible] |

بقیه جدول سی و دویم در حصر مذهبها و دینها درمیان بنی نوع انسان و غیر ایشان

# بقیة الجدول الثانی و الثلاثین فی ذکر حصر المذاهب و الادیان فیما بین الآدمیین و غیرهم

| | |
|---|---|
| [illegible] | [illegible] |
| [illegible] | [illegible] |
| [illegible] | [illegible] |
| [illegible] | [illegible] |
| [illegible] | [illegible] |
| [illegible] | [illegible] |
| [illegible] | [illegible] |
| [illegible] | [illegible] |
| [illegible] | [illegible] |

| | | | | | | |
|---|---|---|---|---|---|---|
| [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] |
| [illegible] | حمد حمداً ملاء الخافقین<br>این له الاین و کیف و بین<br>و هو نظام الدر الفاخر | | ما طلع الفجر من المطلعین<br>وفق عبداً و لها صاغراً<br>بالذهب النقد بکی اللجین | | للاحد الواحد من غیر حد<br>للشرف الفائق من کل زین<br>فاز لک الامر بنیل المرام | [illegible] |
| [illegible] | نظم سواد و بیاض بعین<br>صار ریاضاً کریاض الجنان<br>جدوله من نهر الکوثرین | | اشرق من اوج افاداته<br>مدنه منک جنی الجنتین<br>من شرب الغرفة من حوضه | | شمس نهار و قمر داسبین<br>فاض علی ناخذ من خاض فیه<br>اتخذ العنبر من کل عین | [illegible] |
| [illegible] | نسئلک العصمة یا من هدی<br>ندبسبابته النیرین<br>خیر نجیبات نساء الزمن | | بالنبی المنتجب الوالدین<br>خو اخیه الرضی المرتضی<br>و ابنتها جامعة الحسنیین | | نورک بین الثقلین الذی<br>من هتم الکفر ببدر و حنین<br>ثم بسبطیه و شبلیهما | [illegible] |
| [illegible] | ذی الحسبین الحسنین الهدی<br>ثم بغواص بحار العلوم<br>کاظم الغیظ سمح الیدین | | ثم بسجاد علی جری<br>باقرنا الفائض کالهاطلین<br>ملتجی الخلق علی الرضا | | صفحته الدمع من المهدیین<br>رب و بالصادق و ابن له<br>قبته نیرة المشرقین | [illegible] |
| [illegible] | رب بحق التقی المتقی<br>حجتک القائم فی الاعصرین<br>هم فلک الفضل و هم شمسه | | و النقی الغر من القرنین<br>صل علی سیدنا المصطفی<br>طلبهم الفرق علی الفرقد | | ثم بذی العسکر و المنتظر<br>ثم علی عترته المصطفین<br>خیر جزائهم جمیع الامم | [illegible] |
| [illegible] | جمعوا اسقعنا للشائنین<br>و انی بابواب دعاک الاکف<br>ادخلنا خاص الی الخاصرین | | منک الهی لتمام الامور<br>طامحة الطرف مع المرفقین<br>ما النبی العبد بجمع الکتاب | | نلتمس المخلص من کل شین<br>فی طرق العجز بوحل الوحل<br>من خلل الفکرة او طرف عین | [illegible] |
| [illegible] | | | فاعف لنا یوم یقوم الحساب<br>و انف رضانا برضا الوالدین | | | [illegible] |
| [illegible] | معروض رای عقده گشای برادران دینی میدارد بنده کمترین محمد رضای امامی خواتون آبادی مصنف این کتاب که چون وضع این کتاب بطرحی تازه و بخلاف وضع کتابهای دیگر است تا بر مردم آسان باشد پیدا کردن آنچه خواهند و بنا بر کمی و بسیاری هر شرحی از شروح آن احتیاج بآن باشد که بعضی از خانهای جداول کوچک و بعضی وسط و بعضی بزرگ لهذا هر جدولی بطرحی علیحده شده و کلها و شکلها از دواقع شدن عنوان | | | | | [illegible] |
| [illegible] | زنگین بهم رسیده است که در حسن منظر و قبول طبع تیز دخلی عظیم دارد و جدولها و اشکالش در غایت اشکال و غلط نگردیش از آن حسن و حاج آن موجب دلکشی و تقطیع لطفی ندارد فی الحقیقه مضامین افاضت آمیزش لایق هر گونه زیب و زینت است و گویا از قلم تقدیر بدین صفت بر جریده وجود مرقوم شده دلیل بر این معنی آنکه نام نامیش که جنات الخلود است ماده تاریخ شروع تالیف و ماده تاریخ اتمامش که یکسال بعد از آن است باغ علی نقی افتاده | | | | | [illegible] |
| [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] | [illegible] |

| | | |
|---|---|---|
| مُحَمَّدٌ حَمْدًا مِلاءَ الخافِقَيْنِ<br>اَيْنَ لَهُ الأَيْنُ وَكَيْفَ وَبَيْنُ<br>وَهُوَ نِظامُ الدُّرَرِ الفاخِرَة | ما طَلَعَ الفَجْرُ مِنَ المَطْلِعَيْنِ<br>وَفَوْ عَبْدًا وَلَهَا صاغِرًا<br>بِالذَّهَبِ النَّقْدِ زَكِيَّ اللُّجَيْنِ | لِلاَحَدِ الواحِدِ مِنْ غَيْرِ حَدِّ<br>لِلشَّرَفِ الفائِقِ مِنْ كُلِّ زَيْنِ<br>فازَ لَكَ الأَمْرُ بِنَيْلِ المَرامِ |
| نَظْمُ سَوادٍ وَبَياضٍ بِعَيْنِ<br>صارَ رِياضًا كَرِياضِ الجِنانِ<br>جَدْوَلُهُ مِنْ نَهَرِ الكَوْثَرَيْنِ | اَشْرَقَ مِنْ اَوْجِ اِفاداتِهِ<br>مُذْ بَنَتْهُ مِنْكَ جَنَى الجَنَّتَيْنِ<br>مَنْ شَرِبَ الغُرْفَةَ مِنْ حَوْضِهِ | شَمْسُ نَهارٍ وَقَمَرُ داسُبَيْنِ<br>فاضَ عَلَى ناحِرِ مَنْ خاضَ فيهِ<br>اتَّخَذَ العَشْرَةَ مِنْ كُلِّ عَيْنِ |
| نَسْئَلُكَ العِصْمَةَ يا مَنْ هَدَى<br>رَدَّ بِسِبابَتِهِ النَّيِّرَيْنِ<br>خَيْرِ نَجِيباتِ نِساءِ الزَّمَنِ | بِالنَّبِيِّ المُنْتَجَبِ الوالِدَيْنِ<br>حَقِّ اَخِيهِ الرَّضِيِّ المُرْتَضَى<br>وَابْنَتِها جامِعَةِ الحَسَنَيْنِ | نُورِكَ بَيْنَ الثَّقَلَيْنِ الَّذِي<br>مَنْ قَمَعَ الكُفْرَ بِبَدْرٍ وَحُنَيْنِ<br>ثُمَّ بِسِبْطَيْهِ وَشِبْلَيْهِما |
| ذِي الحَسَبَيْنِ الحَسَنَيْنِ الهُدَيْنِ<br>ثُمَّ بِغَوّاصِ بِحارِ العُلُومِ<br>كاظِمِ الغَيْظِ سَمِيحِ اليَدَيْنِ | ثُمَّ بِسَجّادٍ عَلَى جَرَى<br>باقِرِنا الفائِضِ كَالهاطِلَيْنِ<br>مُلْتَجَئِ الخَلْقِ عَلِيِّ الرِّضا | صَفْحَتُهُ الدَّمْعُ مِنَ المُهْدَيْنِ<br>رَبِّ وَبِالصّادِقِ وَابْنٍ لَهُ<br>قِبْلَةِ نَيِّرَةِ المَشْرِقَيْنِ |
| رَبِّ بِحَقِّ التَّقِيِّ المُتَّقِي<br>حُجَّتِكَ القائِمِ فِي الأَعْصُرَيْنِ<br>هُمْ فَلَكُ الفَضْلِ وَهُمْ شَمْسُهُ | وَالنَّقِيِّ الغُرِّ مِنَ القَمَرَيْنِ<br>صَلِّ عَلَى سَيِّدِنا المُصْطَفَى<br>طِلْبَتُهُمُ الفَرْقُ عَلَى الفَرْقَدَيْنِ | ثُمَّ بِذِي العَسْكَرِ وَالمُنْتَظَرِ<br>ثُمَّ عَلَى عِتْرَتِهِ المُصْطَفَيْنِ<br>خَيْرِ جَزائِهِمْ جَمِيعِ الأُمَمِ |
| جُمِّعُوا يَنْفَعُنا الفَتْشائين<br>رائِي بِانْوادِ دُعاكَ الأَكُفْ<br>اَدْخِلْنا خاضِنَ اِلَى الحاضِرَيْنِ | مِنْكَ اِلٰهِي لِتَمامِ الأُمُورِ<br>طامِحَةَ الطَّرْفِ مَعَ المُرْفِقَيْنِ<br>ما لِلنَّبِيِّ لِعَبْدٍ بِجَمْعِ الكِتابِ | نَلْتَمِسُ المَخْلَصَ مِنْ كُلِّ شَيْنِ<br>فِي طُرُقِ العَجْزِ بِوَحْلِ الوَجَلِ<br>مِنْ خَلَلِ الفِكْرَةِ اَوْطَرْفِ عَيْنِ |
| | فَاعْفُ لَنا يَوْمَ يَقُومُ الحِسابُ<br>وَاقْضِ رِضانا بِرِضا الوالِدَيْنِ | |

معروض رأی عقده گشای برادران دینی میدارد بنده کمترین محمد رضای امامی خواتون آبادی مصنف این کتاب که چون وضع این کتاب بطرحی تازه و بخلاف وضع کتابهای دیگر است تا بر مردم آسان باشد پیدا کردن آنچه خواهند و بنا بر کمی و بسیاری هر شرحی از شروح آن احتیاج بآن باشد که بعضی از خانهای جداولش کوچک و بعضی وسط و بعضی بزرگ لهذا هر جدولی بطرحی علیحده شده و کلها و شکلها از واقع شدن عنوان

نگین بهر سیده است که در حسن منظر و قبول طبع تیز دخلی عظیم دارد و جدولها و اشکالش در غایت اشکال و غلط نکردنش از آن مشکلتر و احتیاج آن بمون جدولکشی و تقطیع لطفی ندارد فی الحقیقه مضامین الفاظ آمیش لایق هر گونه زیب و زینت است گویا از قلم تقدیر بدین صفت بر جریده وجود مرقوم شده دلیل بر نیمی آنکه نام نامیش که جنات الخلود است ماده تاریخ شروع تالیف و ماده تاریخ اتمامش که یکسال بعد از آنست باغ عدن انفاق افتاده

پس بقانون نوشتن این نسخه مبارکه و داد شش بهر یو فوق کج سلیقه که جداولش را کج واج کشند یا شکلهای صحیحش را تغییر دهند حقیقت دباعث تضییع سعی انجیرات که مدت یازده ماه شب و روز رنج و طراحی آن خون نابه خورده ام و شرح و بسط هر چیز را بقدر گنجایش و توسعه خانه اش

گنجانیده ام و بر آسمان نسبت بلکه بفضل جناب اقدس الهی و دستیاری رسول صلی الله علیه و آله و ائمه طاهرین علیهم السلام میسر گردیده است

پس استدعای چهار مطلب از خدمت برادران که نظر بر این کتاب مینمایند دارم اول آنکه این فقیر بی بضاعه را الطلب مغفرت و دعای خیر یاد نمایند دویم آنکه بر سهو و خطای این عبد خاطی قلم عفو درکشند سیم آنکه این نسخه مبارکه را بجز اهل نادان ندهند چهارم آنکه یاد آرم آنکه غفلت

خوب و جدولکش صاحب سلیقه و اسباب آن از پرکار و سطاره و قلم جدول کاتب خوشنویس صحیح نویس تحصیل نکنند میل بنوشتن این کتاب ننمایند و تغییر در وضع و اسلوبش ندهند و روح مرا در قالب معذب نسازند پس هر که تغییر دهد یا

که از این کتاب بردارد حلال نیست و مقید بقید لعنت خدا و رسولست

قد وفق باتمام تحریر هذا الکتاب المستطاب نسخا و نستعلیقا العبد الآثم الجانی محمد باقر بن المرحوم زین العابدین کلپایگانی غفر له لوالدیه در یوم یازدهم شهر شوال سنه یکهزار و سیصد و چهارده ۱۳۱۴ هجری

افقر العباد اسمعیل

اقل العباد اسمعیل کتابفروش از مطالعه کنندگان تمنای دعا دارم در مطبعه آقا میرزا علی اکبر طهرانی آقا میرزا احمد خان بطبع رسید

بسمه تعالی

الحمد لله کما هو اهله والصلوة علی اشرف الانبیاء محمد و آله

اما بعد چون جناب آقا شیخ محمد کاظم ... مشتغل بتتبع

اخبار ائمه علیهم الصلوة والسلام را اختیار ... و نشر احادیث صحیحه ذکر

و نیز ... و توان تمیز حدیث سقیم را از صحیح دارند [illegible]

[illegible] لذا اجازه دادم ... اخبار

... و نقل آثار صحیحه با رعایت احتیاط تام

---

رخ گشاده یار من چون ...
لاله زار گلزار کرد

غنچه گل را بچشم عشق ... خونخوار کرد

یار را یک شب ببزم دیده تا چشم فلک

از جفای غم سحر را زودتر بیدار کرد

خواستم بر آستانش سر نهم در صبحدم

من ندانم غیر کی انکار را با یار کرد

دوش مدهوشش بدر دوش از میکده بردیم ما

کی تواند محتسب این کار را انکار کرد